

نقش امام خمینی ^{رحمت الله علیه} در تبیین و احیای جایگاه زنان با تأکید بر نهضت اسلامی ریحانه قادری^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹ / ۰۴ / ۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹ / ۰۴ / ۲۰

چکیده

این مقاله برآن است که نشان دهد که امام خمینی ^{رحمت الله علیه} با بهره‌مندی وافر معارف اسلامی و تعمق و تأملی پویا و مجتهدانه در میراث گرانقدر نبوی ^{صلی الله علیه و آله} و تعلیم ائمه معصومین ^{علیهم السلام}، چگونه توانست به درکی درست و روشن از نظام حقوق زنان در اسلام دست یابد که موجب احیای حقوق زنان ایرانی در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷ ه.ش. ایران شود. چهار چوب نظری مقاله مبتنی بر مبنای نظری دیدگاه‌های امام ^{رحمت الله علیه} است که در رد شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف در مورد زنان با توجه به مقتضیات زمان و مکان سخن گفته و حکم صادر کرده‌است. با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تبیین تاریخی، در یک چهار چوب تاریخی ابتدا به موقعیت زنان در روندهای تاریخی، اتم از دیدگاه غربی فمینیسم و جایگاه زنان از دیدگاه اسلام که مبنای نظری امام ^{رحمت الله علیه} در مورد زنان در پرتو آن شکل یافته و هم-چنین بررسی اندیشه‌های امام خمینی ^{رحمت الله علیه} که در قالب دوره‌های گفتمانی مختلفی در مورد زنان که طی چهار دوره‌ی مختلف زمانی شکل گرفته، پرداخته و در خاتمه هم، علل برتری دیدگاه حضرت امام ^{رحمت الله علیه} مورد بررسی و بازنگری قرار گرفته است.

کلید واژه‌ها: امام خمینی ^{رحمت الله علیه}، فمینیسم، زنان، اندیشه اسلامی.

استناد فارسی (شیوه APA، ویرایش ششم، ۲۰۱۰): قادری، ریحانه (۱۳۹۹، پاییز). «نقش امام خمینی ^{رحمت الله علیه}

در تبیین و احیای جایگاه زنان با تأکید بر نهضت اسلامی». *پژوهشنامه تاریخ، سیاست و رسانه*، سال سوم، شماره سوم، صص ۱۱۰-۷۷.

^۱ دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، اصفهان، ایران.

reghaneghaderi.60@gmail.com

کپی‌رایت © ۲۰۱۰، ایسک (اندیشکده مطالعات راهبردی کریمه شیراز). این متن، مقاله‌ای برای دسترسی آزاد است که با توجه به استاندارد بین‌المللی CCA (Creative Commons Attribution) نسخه 4.0 توزیع شده است و به دیگران اجازه می‌دهد این اثر را با رگیری کنند، آن را با دیگران به اشتراک بگذارند و مطالب را اقتباس کنند.

۱. مقدمه

اساساً در طول تاریخ به‌ویژه از گذشته‌های دور، نگاه به زن به‌عنوان یک موجود ضعیف و درجه دوم مطرح بوده بلا استثنا در میان تمامی جوامع و فرهنگ‌ها این اجحاف با افراط و تفریط‌هایی همراه بوده است که زن در جامعه ایرانی نیز این قاعده مستثنی نبوده است. هر چند در برخی از دوره‌های تاریخی با وجود قداست نهاد خانواده زنان در درون خانواده از حرمت و امتیازاتی برخوردار بودند ولی در عین حال این منزلت چندان تداوم نداشته ولی با ظهور اسلام خط بطلانی شد بر تمام باورهای نادرست از این موجود انسانی (زن) که در نظرها ضعیف و پست شمرده می‌شد.

اندیشه‌های ناب اسلامی در مورد تعالی و احیای مقام و حقوق زنان دیدگاهی متعادل عرضه می‌داشت ولی باز با وجود دیدگاه‌های سنتی در مورد زنان هم‌چنان شاهد اجحاف و نادیده گرفتن منزلت و مرتبت آنان بوده‌ایم. در میان غربیان از قرون هفدهم اندیشه‌های احیای حقوق زنان در قالب تفکر (فمینیسم) مطرح شد. و این اندیشه چون بنیان آن بر مبنای هستی‌شناسی، انسان شناسی اصیل قرار نداشت از افراط و تفریط‌هایی برخوردار بود و خواهان برابری کامل زنان با مردان در تمامی مسائل بودند و قائل به هیچ تفاوتی بین زنان و مردان نبودند و در عمل نتوانست آن‌چنان که شایسته جایگاه و مرتب زنان بود، حقوق از دست رفته آنان را احیاء کند. این تفکرات فمینیسی البته با شدت و ضعف در هنگام مواجهه ایرانیان با فرهنگ و تمدن غربی به ایران نیز رسوخ کرد و در دوره مشروطه تحت تأثیر افکار و اندیشه‌های جدید غربی شاهد تغییراتی یک جانبه در وضعیت زنان بوده‌ایم؛ هر چند در این دوره، تفکر سنتی هم بر زنان ایران سایه افکنده بود. در دوره پهلوی در راستای سیاست مدرنیسم و نوسازی و سیاست کشف حجاب که تلاشی برای آزادی زنان از قید و بندهای مذهبی بود اجرا شد و چون بدون توجه به فرهنگ و درک نادرست از وضعیت مذهبی ایرانی صورت گرفته بود، هم‌چنان در اعطای حقوق از دست رفته زنان ناکام ماند.

هر چند در دوره‌ی پهلوی برنامه‌هایی برای متحول شدن جایگاه زنان انجام شد، ولی زن مدرن پهلوی، زن خالی از تمام ابعاد وجودی و کرامت و شأن و منزلت انسانی، بدن و ظاهر او مورد توجه بوده ولی با وجود دیدگاه‌های سنتی که برداشت‌های نادرست مذهبی هم در حفظ و تداوم آن بی-تأثیر نبود، تقابلی‌هایی در راستای نوگرایی در وضعیت زنان در دوره مدرنیسم پهلوی به وجود آورد. زن مدرن پهلوی رها از همه‌ی قید و بندها در خدمت سیاست نوگرایی و در نقطه مقابل زن سنتی هم‌چنان در گیر و دار اندیشه‌های جاهلیت زندانی بود، در چنین فضایی آکنده از ابهام و سردرگمی بود، امام خمینی رحمت الله علیه در ابتدای نهضت اسلامی خود و در پرتو معرفت عمیق و اصیل اسلامی اندیشه‌های خود را در مورد زنان، در قالب دوره‌های گفتمان مختلف با توجه به شرایط زمانی و مکانی مختلف، مطرح نمود که به نوعی، احیاءگر هویت واقعی زن در جهان کنونی بود.

امام خمینی رحمت الله علیه با ارائه الگوهای شایسته و بهره‌مندی از کلام خداوند فرصت تازه‌ای در اختیار زنان قرار داد تا ضمن حفظ کرامت، ارزش و معرفت واقعی خود، در امور سیاسی، فرهنگی و اجتماعی کشور تحول آفرین باشند. سؤال اصلی در این نوشتار این است که اندیشه‌های امام خمینی رحمت الله علیه با توجه شرایط زمانی و مکانی مختلف چه نقشی در احیای جایگاه واقعی زنان داشته است؟ فرضیه اصلی مقاله این است که امام خمینی رحمت الله علیه با بهره‌مندی از معارف اسلامی و تأملی پویا به درکی درست و روشن از نظام حقوق زنان در اسلام دست یافت که موجب احیای جایگاه واقعی زن مسلمان در جریان انقلاب اسلامی ایران شد.

۲. آشنایی با جایگاه زنان در روندهای تاریخی

اساساً در طول تاریخ به ویژه در گذشته‌های دور نگاه به زن به‌عنوان یک موجود ضعیف و درجه دو بوده است، به طوری که زن در زمان اوج پیشرفت ملت یونان، از نظر اخلاقی و حقوق و رفتار اجتماعی در نهایت بدبختی و تیره‌روزی به سر می‌برد (قطب، بی‌تا: ۱۲). ارسطو در خصوص جایگاه زنان ادعا می‌کند که زن و بنده بر اساس طبیعت خود محکوم به اسارات بوده و سزاوار شرکت در کارهای عمومی نیستند (به نقل از دورانت، ۱۳۷۴: ۸۰). زن در یونان باستان نه تنها مخلوقی حقیر شمرده می‌شد، بلکه دست کم به‌عنوان انسان با زن رفتار نمی‌شد. زن همانند شیء در اختیار مرد بود و مرد هرگونه رفتاری را با اوانجام می‌داد و زن در این دوره از هیچ حقوقی برخوردار نبود و در نتیجه، از فعالیت اقتصادی و اشتغال نیز محروم بود (عبدالحمید محمد، ۱۴۱۱ ه.ق. : ۱۹). تنها موردی که برای فعالیت اقتصادی و اشتغال زنان در تاریخ یونان باستان ذکر شده، مربوط به حضور زنان برای فعالیت اقتصادی و اشتغال در بازار بوده است. این اشتغال همراه با مردان بوده و فقط در منطقه «کریت» مشاهده شده است (منیسی، ۱۹۷۷: ۲۴).

این وضعیت در دوره روم باستان نیز وجود داشته است. به‌طور کلی زن در رم باستان از همه حقوق محروم بود و دارای هیچ‌گونه جایگاه و اختیاری نبود. دختران و زنان مانند شیء مملوک معامله می‌شوند و از حقوق اقتصادی نیز هیچ بهره‌ای نداشتند. نکته‌ی قابل توجه در خانواده‌های رومی این است که قرابت و خویشاوندی رسمی و حقوقی فقط در خصوص مرد معنا پیدا می‌کند و بین زن با مرد و زن با زن خویشاوندی وجود ندارد. مرد هر وقت صلاح می‌دانست، می‌توانست زن یا دختر را بفروشد، قرض و کرایه دهد یا بکشد؛ از این رو، وقتی زن از حداقل حقوق انسانی محروم باشد و به‌عنوان شیء با او رفتار شود، قطعاً از حقوق و امتیازات اقتصادی بهره‌مند نخواهد شد. در حقوق رم باستان، زن بهره‌ای از فعالیت اقتصادی و کار نداشت؛ چون اصلاً از اطلاق عنوان انسان بر آنان دریغ داشتند (منیسی، ۱۹۷۷: ۲۵ و ۲۶).

در مصر باستان هم اگر چه زنان کم و بیش ارجی داشتند و به آنان اجازه می‌دادند که در مجامع حاضر شوند و دختران زیبا را برای پر آب شدن رود نیل قربانی می‌کردند و روزگاری آنان را زنده به گور می‌کردند (علویقی، ۱۳۷۵: ۲۰). اعراب زمان جاهلیت هم هیچ حرمتی برای زن قائل نبودند، به طوری که دختران را زنده به گور می‌کردند. علاوه بر این، در این دوره، زنان ارث نمی‌بردند و تعدد زوجات، آن هم بدون حدی معین نبود.

در جامعه‌ی ایران باستان هم زنان عملاً نقشی در جامعه نداشتند و عمدتاً که کنیزانی در خدمت مرد بودند و در قوانین متداول، زن از قدیم شخصیتی حقوقی نداشت و در تملک مرد قرار داشت (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۱۰۵). البته در تاریخ ایران، همواره نهاد خانواده، مستحکم بوده، اقتدار و حاکمیت مرد در خانواده مسلم فرض شده است و اساساً در نظام مرد سالاری، اگر چه برتری مشخص مرد بر زن در تمام تصمیم‌گیری‌ها فرض شده، ولی مقام زن به‌عنوان عضوی از خانواده محترم و مقدس شمرده است (شعبانی، ۱۳۷۵: ۹۳).

به‌طور کلی، اگر چه زنان در عصر هخامنشیان و اشکانیان دارای حداقل حقوق انسانی نبودند، وجود طبقات ممتاز در ایران موجب شد زنان از حیث امتیازات و مزایای اجتماعی به دو دسته «زنان اشراف و بزرگان» و «زنان طبقه پایین‌تر» تقسیم شوند؛ اما واقع مطلب این است که زنان اشراف در مقابل مردان طبقه‌ی خود، همان مقام و موقع را داشتند که زنان طبقه پست‌تر نسبت به مردان خود دارا بودند. هر دو دسته از زنان از حقوق اقتصادی و اشتغال بهره‌ای نداشتند و فقط زنان طبقه‌ی اشراف از زندگی بهتری نسبت به زنان طبقه پایین‌تر برخوردار بودند.

اما در عصر ساسانی که افراد جامعه به طبقات مختلفی تقسیم می‌شدند، در داخل هر یک از طبقات، زنان متناسب با فرهنگ و وضعیت اشتغال طبقه‌ی خود، مشاغلی را بر عهده داشتند؛ مثلاً پوراندخت و آذرمیدخت که از زنان خاندان سلطنتی بودند، به حکومت رسیدند. زنان سایر طبقات نیز بسته به طبقه خود، به کار رسیدگی، کشت و زرع یا صنعت آن روز اشتغال داشتند. از ویژگی‌های این دوران، مالک شدن دستمزد و درآمد توسط زنان بود که می‌توانست خود را آن بردارد یا به شوهرش بدهد (مظفری، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

تحول جدی در رویکرد موجود نسبت به نقش و جایگاه زنان، با ظهور و اسلام به ویژه در قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صورت گرفت که جایگاه و نقش جدی به زن در خانواده داده شد و وضعیت حقوقی وی به‌عنوان یک عضو خانواده و دارای شخصیت حقوقی در جامعه تثبیت شد و خیلی از ظلم‌ها و تزییعات قبلی که در حق او روا داشته می‌شد، تضعیف گردید. به واقع، با ظهور اسلامی کرامت انسانی زن احیا شد و زن در کنار مرد به‌عنوان نیمی از پیکره‌ی حیات بشری مطرح گردید. اسلام دختر کشی را ممنوع کرد و به جامعه آموخت که به دختران احترام بگذارند. زنان صدر اسلام در امور اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و کارهای دیگر مشارکت داشتند (ابونارس، ۱۳۸۶:

۱۹ و ۲۰). قرآن کریم، کسب و تلاش اقتصادی در زنان و مردان را تأیید کرده و مالکیت آنان را بر آن مترتب ساخته است:

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُمْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَا لَهُنَّ / «برای مردان از آنچه کسب کرده‌اند، بهره است و برای زنان (نیز) از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است» (نساء: ۳۲).

اشتغال زنان در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله به شکلی گسترده دیده می‌شد و در تمامی شغل‌ها رایج آن زمان، زنان حضور داشتند، زنان در این دوره به مشاغل از قبیل پزشکی، تجارت و صنایع دستی اشتغال داشتند (مهریزی، ۱۳۷۸: ۵۸).

در رویه عملکردی، آنچه از موقعیت اجتماعی زنان پس از ورود اسلام به ایران وجود داشت، این است که با توجه به تفاوت‌ها در وضع عمومی زنان در مناطق مرکزی شمالی و جنوبی ایران، اختلاف‌هایی بر حسب موقعیت محل، عرف و عادات و سنن محلی بین زنان ایرانی وجود داشته است، ولی به‌طور کلی در دوره‌های سلسله‌های مختلف پادشاهی، زنان از جایگاه مناسبی برخوردار نبودند (رواندی، ۱۳۶۵: ج ۳ / ۶۳۷).

نگرش جدیدی نسبت به زن، پس از انقلاب مشروطه و نفوذ تمدن غرب در ایران صورت گرفت که بسیاری از آداب و سنن قدیم اجتماعی را دگرگون کرد و در مقام و موقعیت اجتماعی زنان آن هم در طبقه‌ی مشخص و معینی که عمدتاً در حاکمیت بودن و یا به قدرت سیاسی تعامل مثبت داشتند به وجود آورد. در دوره‌ی پهلوی حکومت سعی داشت با ایجاد تغییراتی روبنایی در وضعیت اجتماعی ایران، از جمله دگرگونی در ظاهر، لباس و چهره‌ی زن ایرانی، تصویری از ایران مدرن شده به جهانیان ارائه دهد.

کشف حجاب در ترغیب زنان ایرانی به آراستن چهره و ظاهر خود و مشارکت دادن چند زن از طبقه‌ی حاکم در برخی فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی از جمله تلاش‌های حکومت برای مدرن جلوه دادن ایران بود. در حالی که بیش‌تر زنان جامعه، به‌ویژه زنان متدین و مؤمن از تحصیل و فعالیت‌های اجتماعی محروم بودند و فقط شمار اندکی از زنان متعلق به طبقات خاصی امکان تحصیل و مشارکتی نمادین در امور اجتماعی و سیاسی را داشتند. حکومت پهلوی در سال ۱۳۴۱ به زنان حق رأی داد و تعدادی از زنان به‌عنوان کارمندان معمولی در ادارات، وزارتخانه‌ها، دستگاه‌های دولتی، شرکت‌های تعاونی و روستایی و غیره مشغول به کار شدند (رواندی، ۱۳۶۵: ج ۳ / ۲۹).

۳. سیمای زن در مکاتب غربی (فمینیسم)

در طی قرون و اعصار گذشته در جوامع غربی زنان مورد ستم واقع شده موجود درجه دو به حساب می‌آمدند و از حقوق مدنی برخوردار نبودند. حتی تا اواخر قرن نوزدهم میلادی و در برخی از

کشورها تا اوایل قرن بیستم، زنان هم‌چون کودکان حق تصرف در اموال خود را نداشتند (شایگان، ۱۳۷۵: ۲۶۴) و هم‌چنین تا ربع اول قرن بیستم در بسیاری از کشورهای اروپایی زنان از حق رأی محروم بودند (زینسرجی و آندراس ابی، ۱۳۷۵: ۴۰) در حرکت اصلاحی که به بهانه‌ی حقوق بشر از قرن هفدهم میلادی آغاز شد و در قرن هجدهم در فرانسه به ثمر نشست جای حقوق از دست رفته زنان خالی بود ... مونتسکیو، نویسنده شهیر فرانسوی و از بنیان‌گذاران انقلاب کبیر فرانسه در کتاب روح القوانین (۱۷۴۸) در بحث از شیوه‌ی حکومت و آزادی و حقوق فردی، زنان را موجوداتی با روح-های کوچک و دارای ضعف دماغی، متکبر، خود خواه، معرفی می‌کند و حتی در اعلامیه حقوق بشر که در سال ۱۷۸۴ در فرانسه به تصویب رسید، از برابری حقوق زن و مرد سخنی به میان نیامده است.

نهضت زنان در قرن نوزدهم در فرانسه گسترش یافت و نام فرانسوی «Feminism» به خود گرفت و نوعی اعتراض به تبعیض‌های موجود در جامعه غربی و فراموشی حقوق زن در اعلامیه حقوق بشر بود که بعدها افرادی چون آگوست کنت (۱۸۵۷) و جان استوارت میل (۱۸۶۹) نظریه برابری زن و مرد را در چارچوب فردی و اومانستی مطرح کردند (استوارت میل، ۱۳۷۷: ۱۳۳). این نهضت تا اواخر قرن نوزدهم توفیق چندانی نیافت، اما با رشد انقلاب صنعتی بر توفیق و موفقیت آن افزوده شد و به قول ویل دورانت، آزادی زن از عوارض انقلاب صنعتی است.

بعد از نظریه‌پردازی افرادی چون هانتینگتون پیرامون یکسان‌سازی فرهنگ جهانی (هانتینگتون، ۱۳۷۷: ۵۰)، تلاش وسیعی از سوی غربیان برای تحمیل ارزش‌های خود بر ملت‌های دیگر آغاز شد و به تعبیر پروفیسور هربرت شیلر (اندیشمند آمریکایی) آن‌ها به‌دنبال «امپریالیسم فرهنگی» سیاسی و اقتصادی می‌باشند (شیلر، ۱۳۷۷: ۴۰).

از آن‌جا که زن در جهت‌دهی خانواده به سوی ارزش‌ها، در مسائل اقتصادی و تعیین الگوی مصرف، در ارائه تلقی از زندگی مطلوب و راه و روش کسب و معاش، و به‌ویژه در شکل‌گیری الگوی شخصیتی فرزندان و نسل آینده تأثیر شگرف و غیر قابل انکاری دارد. نظریه پردازان فرهنگ جهانی، توجه ویژه‌ای به زن و مسائل زنان نمودند و آنان را به‌عنوان نقطه ثقل فعالیت‌های خود در مسایل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی قرار دادند. از این روی همراه با ترویج و تبلیغ دموکراسی، لیبرالیسم، توسعه و ... به‌عنوان نسخه شفابخش برای همه ملل جهان، فمینیسم را نیز مطرح نمودند. و به مدد روشنفکران کشورهای شرقی در صدد القای این اندیشه هستند که زنان همه‌ی کشورهای اسلامی و غیر اسلامی اگر می‌خواهند به موقعیت مناسب اجتماعی برسند و حقوق از دست‌رفته‌ی خود را باز یابند، چاره‌ای جز بهره‌گیری از راه‌کارها، برنامه‌ها و الگوهای معرفی شده آنان ندارند (تشکری، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۱).

۴. مبانی نظری دیدگاه فمینیسم

از مهم‌ترین مبانی نظری دیدگاه فمینیسم می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

تأکید بر خودبستگی انسانی و به‌طور خاص زنان: می‌توان گفت نگرش‌های فمینیسمی رادیکال، خواسته یا ناخواسته مبانی بر نگرش اومانیستی به انسان است که به چیزی فراتر از عقل بشری اعتقاد ندارند. فمینیست‌های رادیکال بر این باور بودند که زن مالک روح و جسم خویش است و خودش نیز باید در مورد استفاده از آن تصمیم بگیرد. باید توجه داشت که این دیدگاه، در عرصه‌ی عمل دارای پیامدهای فراوان است و راه را برای ارتکاب اعمالی باز می‌کند که نه تنها از سوی آموزه‌های دینی که حتی از سوی برخی جوامع غربی نیز قابل قبول نیست.

مظلومیت تاریخی زن: در نگاه فمینیست‌های رادیکال، ظلم به زنان امری نهادینه شده است که در طول تاریخ همواره وجود داشته و در هر زمان به‌گونه‌ای ابراز شده است. تأکید بر این امر از سوی فمینیست‌های رادیکال، همراه با گونه‌ای افراط از یک طرف و مقصر دانستن همه جانبه‌ی مردان از طرف دیگر است.

اعتقاد به حرکت اصلاحی: توجه آن‌ها بیش‌تر معطوف به راهکارهای افراطی و ریشه‌ای است و به فعالیت‌هایی که معطوف به اصلاح تدریجی امور باشد، چندان اعتقاد ندارند.

باور به عدم تفاوت بین زن و مرد: فمینیست‌های رادیکال بسیار تلاش کرده‌اند تا تفاوت‌های طبیعی بین زن و مرد را نادیده بگیرند و این تفاوت‌ها را بیش‌تر معلول فرهنگ مرد سالار حاکم بر تفاوت‌های بین این دو جنس کرده‌اند (قائم مقامی، ۱۳۵۵: ۸۹).

۵. جایگاه زن از دیدگاه اسلام

۵-۱. تکامل زن

یکی از عالی‌ترین برنامه‌های اسلام که این دین را سرآمد تمام ادیان قرار داده است، از بین بردن تمامی بی‌عدالتی‌ها نسبت به زن بوده است. اسلام بنیان برتری طلبی‌های قومی، نژادی، جنسی و مالی را ویران نمود و تمام انسان‌ها را از مرد و زن، غنی و فقیر، عرب و عجم، سیاه و سفید، و زشت و زیبا را در یک صف قرارداد. این دین آسمانی تنها ملاک برتری را نفوذ و ارزش معنوی و فضائل اخلاقی دانسته است خداوند متعال می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات / ۱۳) «ای مردم ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و

شما را تیره و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید، گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تفاوت‌ترین شماست»

از طرف دیگر هدایت تشریحی، عام و گسترده است و به گروهی خاص اختصاص ندارد و هر کس می‌تواند از این دریای رحمت الهی خط و بهره‌ای ببرد و راه تکامل و سعادت خویش را هموار سازد. خداوند متعال می‌فرماید:

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان / ۳) / «ما راه را به او (انسان) نشان دادیم خواه شاکر باشد یا ناسپاس».

پس اختلاف در جنسیت نمی‌تواند مانعی برای تکامل باشد. شهید مطهری پیرامون این موضوع چنین می‌گوید:

«اسلام در سیر من الخلق الی الحق یعنی در حرکت و مسافرت به سوی خدا هیچ تفاوتی میان زن و مرد قائل نیست» (مطهری، ۱۳۷۳: ۱۲۳).

نمونه‌های تاریخی گواهی صادق بر این مدعاست. در طول تاریخ، زنان بسیاری بوده‌اند که قله‌های ترقی را در نور دیده و به‌عنوان زنان نمونه و الگو معرفی شده‌اند:

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَاتٍ فَرَعُونَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۱۱) وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا إِتْقَانُ الْإِسْلَامِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِيُظَاهَرَ أُولَئِكَ وَالرَّحِيمُونَ (۱۲)» (تحریم / ۱۱ و ۱۲) / « و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بی‌زاری جست و) عرض کرد: بار الها (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون (کافر) و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش. (۱۱) و نیز مریم دخت عمران را (مثل آورد) که زحمتش را پاکیزه داشت و ما در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم، و او کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را (با کمال ایمان) تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا به شمار بود(۱۲)».

هم‌چنین زن می‌تواند به مقام منزلتی برسد که غضب و رضایت او غضب و رضای الهی را در پی داشته باشد. چنان‌که در حدیثی از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله درباره‌ی حضرت فاطمه سلام الله علیها آمده است که «همانا خداوند از غضب فاطمه غضبناک و از خشنودی او خشنود می‌شود(به نقل از مجلسی، بی‌تا: ج ۴۳/۱).

۲-۵. حقوق زن

یکی از مباحث قابل توجه در مورد جایگاه زنان در اسلام جایگاه حقوقی آنان است. اگرچه اسلام برای زنان در ابعاد فردی و اجتماعی قوانین ویژه‌ای وضع نموده ولی در برابر حقوق شایسته‌ای برای آنان قرار داده که موجب تعالی شخصی آنها است. خداوند حکیم می‌فرماید:

«وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْنَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (بقره / ۲۲۸) / «و برای زنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست (حقوق) شایسته‌ای قرار داده است».

در ادامه به ذکر نمونه‌هایی از اقداماتی که اسلام برای احیاء و استیفای حقوق زنان انجام داده است می‌پردازیم.

۲-۵-۱. احیاء شخصیت زنان

در طول تاریخ به واسطه‌ی برتری جسمانی مردان بر زنان، شخصیت و جایگاه زنان به پایین‌ترین حد تنزل یافته بود. به طوق که مایه سرافکنندگی و طول لعنت به شمار می‌رفتند. به‌عنوان نمونه قرآن کریم می‌فرماید:

«وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ» (سوره نحل / ۵۸) «و چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید (از شدت غم و حسرت) رخسارش سیاه شده و سخت دلتنگ و خشمگین می‌شود».

اما اسلام با قوانین بی‌بدیل خود و گفتار و رفتار پیامبری که رحمه للعالمین بود، شخصیت از دست رفته‌ی زنان را احیا کرد و او را مایه‌ی رحمت و برکت معرفی نمود، چنان‌که رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «دخترها مایه رحمت، صلاح زندگی و برکت هستند (به نقل از متقی هندی، ۱۹۲۰: ۴۵۴)».

۲-۵-۲. به رسمیت شناختن حق مالکیت

قبل از اسلام، زنان نه تنها حق مالکیت، بلکه هم‌چون کالایی خرید و فروش می‌شدند و در کنار اموال میت به ارث برده می‌شدند، حتی در کشورهای غربی با آن همه هیاهوی تبلیغاتی و شعار برابری حقوق زن و مرد، تا یک قرن قبل، حق مالکیت برای زنان قائل نبودند و بعد از انقلاب صنعتی آن هم برای حضور در کارخانه‌ها به‌عنوان نیروی کار ارزان قیمت، برای آنان حق مالکیت را به رسمیت شناختند. اما اسلام که انسان قرن بیستم آن را به محدودیت حقوق زنان متهم می‌کند، از قرن‌ها قبل، حق مالکیت را برای زنان به رسمیت شناخته و به هیچ کس حق تصرف در اموال آنان را نمی‌دهد. خداوند متعال به صراحت می‌فرماید:

«... لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ...» (نساء / ۳۲) «... که هر یک از مرد و زن از آنچه اکتساب کنند بهره‌مند شوند. ...».

همچنین برای آن به انتظار و نیاز آن‌ها در چهارچوب شریعت حق ارث معین شده است:

«لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا» (نساء / ۷) «برای فرزندان پسر، سهمی از ترکه ابوین و خویشان است و برای فرزندان دختر نیز سهمی از ترکه ابوین و خویشان است، چه مال اندک باشد یا بسیار، نصیب هر کس از آن معین گردیده».

۳-۲-۵. حقوق زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی

در اسلام به زنان حق دخالت در امور اجتماعی سیاسی و فرهنگی داده شده است. اما مشروط به حفظ عفاف و پاک‌دامنی و حریم انسانیت اسلام از طرفی با حضور بی‌قید و شرط زنان در تمام امور و از بین رفتن حریم‌های اخلاقی مخالفت کرده و از طرف دیگر برای فعالیت‌های ضروری اجتماعی با حفظ عفت مانعی ایجاد نکرده است. به گفته استاد شهید مطهری:

«اسلام در عین این که نهایت اهمیت را برای پاکی روابط جنسی به عمل آورده، هیچ‌گونه مانعی برای بروز استعدادهای انسانی زن به وجود نیاورده است، بلکه کاری کرده که اگر این برنامه دور از افراط و تفریط اجرا شود، هم روحیه‌ها سالم می‌ماند و هم روابط خانواده‌ها صمیمی‌تر و جدی‌تر می‌گردد و هم محیط اجتماع برای فعالیت صحیح مرد و زن آماده‌تر می‌شود» (مطهری، ۱۳۷۳: ۵۴۲).

۴-۲-۵. اعتلای حق تعلیم و تربیت

یکی از وظایف خطیر پیامبران الهی علیهم السلام تعلیم و تربیت است و هدف اسلام اعطای این است که تمام انسان‌ها در این مهم به پیش روند. و به درجات عالی کمال نائل آیند، از این رو چنان بستری فراهم نموده که زن‌ها نیز هم‌چون مردان به فراگیری دانش و تزکیه نفس بپردازند. اسلام نه تنها فراگیری دانش را برای زن‌ها جایز شمرده، بلکه برای آنان لازم دانسته است و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فراگیری علم و دانش را بر هر مرد و زن مسلمان لازم و ضروری می‌داند (شیخ طوسی، بی‌تا: ۴۶۸).

۳-۵. آزادی زنان

از ادیان الهی که از ذات حق سرچشمه می‌گیرند، قوانین رهایی بخش انسان‌ها را بیان داشته‌اند. دین اسلام نیز که خاتم ادیان و کامل‌ترین آن‌ها برنامه‌ها و تعالیم ناب خود را در زمینه‌ی آزادی

انسان و از جمله آزادی زنان به بشر عرضه داشته است. اسلام با قوانین دقیق و نظام‌مند در مورد زنان با حفظ معیارها و ارزش‌های اخلاقی، آنان را از اسارت و بردگی نجات داده و به‌سوی جایگاه واقعیشان رهنمون ساخته است. در اسلام، مرد و زن در یک صف قرار می‌گیرند و با الفاظی هم‌چون «یا ایهاالناس» و «یا ایهاالذین آمنوا» مورد خطاب واقع می‌گیرند و با آیاتی هم‌چون «غافر / ۴۰» و «مذثر / ۳۸» به آنان استقلال در عمل داده می‌شود:

«مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ» (غافر / ۴۰) «و بدانید که هر کس کار بدی (در دنیا) کرده (آنجا) الاّ به مثل آن مجازات نشود، و هر که از مرد و زن عمل صالح به جا آورده در صورتی که با ایمان باشند آنان در بهشت جاودان داخل شوند و آنجا از رزق بی‌حساب (و نعمت بی‌شمار) برخوردار گردند».

«كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ» (مذثر / ۳۸) «هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است».

۴-۵. پرهیز از یک‌سو نگری

زن و مرد به‌طور طبیعی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند و در وجود هر کدام غرایز و تمایلات و استعدادهایی نهفته است که در وجود دیگری موجود نیست. یکی از دقت‌ها و ظرافت‌های اسلام این است که بر اساس این تفاوت‌ها و به تناسب استعداد هر کدام، قوانین و احکام مخصوص به هر یک از زن و مرد را تشریح نموده و آن قوانین را در یک چارچوب منطقی و عقلانی ارائه نموده است. نظام حقوقی اسلام، نظامی منسجم و هماهنگ است که با ملاحظه‌ی مجموعه‌ی شرایط و کلیه مصالح فرد و جامعه و بر اساس تمام خواست‌ها و نیازهای فطری و غریزی انسان، تنظیم شده‌است. از این رو، در مواجهه با قوانین اسلام، باید از جزء بینی و یک‌سو نگری پرهیز شود و به آن‌ها به صورت مجموعی و کلی نگریسته شود و جایگاه واقعی هر یک از زن و مرد شناخته شود (سبحانی و زیبایی نژاد، ۱۳۷۲: ۵۰).

۶. مبانی دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه در مورد زنان

حضرت امام خمینی رحمت الله علیه، چه به‌عنوان یک اسلام‌شناس شاخص و چه در مسند یک رهبر سیاسی-اجتماعی، مطالب و مباحث گوناگونی را درباره‌ی زنان مطرح کرده است. بعضی از این دیدگاه‌ها در قالب فتاوی فقهی وی آمده و بخشی هم در سخنرانی‌ها، پیام‌ها و یا احکامی که در عرصه‌های عمومی اعلام کرده است، مطرح شده است. بی‌تردید همه‌ی این موارد برگرفته از برخی

مبانی و اصولی است که وی در عرصه‌های نظری به آن باور داشته است. برای بررسی و تبیین نگرش و موضع‌گیری امام رحمت الله علیه، بایستی این مبانی را مورد توجه قرار داد. مبانی‌یی که موارد ذیل را می‌توان از جمله‌ی مهم‌ترین آن‌ها دانست:

۱- **تأکید بر نقش خداوند به‌عنوان خالق و مالک انسان:** نگرش امام رحمت الله علیه به زن، بر اساس جهان‌بینی دینی است. بر اساس این نگرش، از آن‌جا که خداوند آفریننده انسان‌ها و دیگر موجودات است، بر همه‌ی امور آن‌ها احاطه دارد. هم‌چنین از آن‌جا که متصف به صفاتی چون حکمت و تدبیر است، پس بهتر از هرکس دیگری می‌تواند مشخص کند که آدمی و در بحث ما زن، چه نسبتی با دیگر موجودات دارد و در برابر خویشتن خداوند و جهان چه وظایف و تکالیفی را بر عهده دارد. خداوند مالک همه چیز است و بنابراین می‌تواند در راستای مصالح و مفاسد او دستورالعمل‌هایی را تدوین کرده و چهارچوب‌ها و محدودیت‌هایی را مشخص کند.

۲- **توجه به عدم خودبستگی انسان:** این موضوع روی دیگر مطلب پیشین است و به این معناست که آدمی از آن‌جا که در دایره‌ی ممکنات و محسوسات زندگی می‌کند و محسوس هم با محدودیت همراه است. لذا از گستره‌ی آگاهی محدودی برخوردار است و خود به تنهایی نمی‌تواند در همه‌ی موارد مصلحت خویش را تشخیص دهد و نیازمند اوامر شرع است.

۳- **توان آدمی در تدبیر برخی امور:** مخلوق بودن آدمی به‌معنای مجبور و محجور بودن او نیست، بلکه به‌خاطر برخورداری از موهبت پیامبر درونی (عقل) و پیامبر بیرونی (فرستادگان خداوند) می‌تواند در برخی امور برای خود تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی کند. به‌عبارت دیگر، می‌توان گفت از دیدگاه امام رحمت الله علیه بین عقل و شرع منافاتی وجود ندارد و هریک از یک روی می‌توانند یک‌دیگر را در امور مختلف و از جمله در مباحث مربوط به زنان یاری کنند.

۴- **لزوم مشارکت انسان در تعیین سرنوشت خود:** از نظر امام رحمت الله علیه، زن، انسانی هم‌تراز مرد است و هم‌چون او بایستی در تعیین مقدرات خود مشارکت فعال داشته باشد. البته در این زمینه چه در عرصه‌ی نظریه‌پردازی و چه در عرصه‌ی مشارکت اجتماعی و سیاسی، لازم است حدود شرع را رعایت کند.

موارد مذکور را می‌توان امهات نگرش امام رحمت الله علیه به موضوع زن و انسان دانست. لکن فهم بهتر آن‌ها منوط به بیان برخی موارد جزئی‌تر است که در سلوک علمی و عملی امام رحمت الله علیه در مواجهه با مباحث زنان خود را نشان داده است. مجموع این موارد را می‌توان در دو وجهه‌ی ایجابی و سلبی این‌گونه صورت‌بندی:

۶-۱. وجه ایجابی

۱- باور و تشویق به حضور جدی زنان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی: بهترین دلیل بر این امر، حضور فراگیر زنان در جریان پیدایش و تداوم انقلاب اسلامی است (طهماسبی، ۱۳۸۵: ۱۲۸). پیدایش انقلاب اسلامی در ایران باعث ایجاد تحولی نوین در نوع نگاه به زنان شد. این تحول برای امام رحمت الله علیه به اندازه‌ای مهم بود که می‌گفت:

«اگر این نهضت و انقلاب هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما» (امام خمینی رحمت الله علیه، بی‌تا: ج ۱۴/ ۱۹۷).

می‌توان گفت این انقلاب که ماهیتی دینی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی داشت در برابر دو گفتمان سنتی و مدرن، در واقع گفتمانی نوین را بنیاد نهاد که هدفش حضور زن در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی همراه با حفظ کرامت او بود.

امام رحمت الله علیه تأکید داشتند که ساخت این مملکت تنها به دست مردان ممکن نیست، بلکه مشارکت زنان هم لازم است (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶ / ۳۰۱). تأکید ایشان بر حق زنان در جمهوری اسلامی برای رأی دادن و رأی گرفتن و شرکت در انتخابات را می‌توان در راستای باور و دیدگاه ایشان به حضور زنان در عرصه‌های مختلف ارزیابی کرد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۳: ج ۶ / ۴۰۸).

۲- تأکید بر کسب علم و آراسته شدن زنان به مکارم اخلاقی و ارزش‌های اسلامی: امام رحمت الله علیه در مقاطع مختلف، زنان را به تلاش عمل و تخلق به ارزش‌های اخلاقی ترغیب می‌کرد. نتیجه‌ی این نگاه، افزایش زنان فرهیخته و تحصیل کرده و راه یافتن آنان به برخی از رده‌های مدیریتی است. گو آن‌که هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب، راه‌های نرفته بسیاری در پیش است. یکی از نشانه‌های نگرش امام رحمت الله علیه به رشد و تعالی همه جانبه‌ی زنان، نوع مواجهه ایشان با همسر، دختران و نوه‌های خود است که هیچ تمایزی بین دختران و پسران خود قائل نبود. به‌عنوان مثال نه تنها مانع تحصیل آن‌ها نمی‌شد، بلکه آن‌ها را تشویق هم می‌کرد. از این رو هست که می‌بینیم دختران و نوه‌های ایشان افرادی تحصیل کرده و کم و بیش فعال در عرصه‌های علمی و اجتماعی هستند.

۳- الگوسازی: امام رحمت الله علیه در راستای هویت بخشی به زنان جامعه و ملموس ساختن باورهای دینی در مورد آن‌ها به مسأله‌ای توجه کرد که در تعلیم و تربیت «نظریه الگوها» و در نگرش اسلامی «نظریه اسوه‌ها» نامیده می‌شود. ایشان زنان شاخص در اسلام، به ویژه حضرت فاطمه سلام الله علیها را الگوی یک زن مسلمان دانسته و در موارد فراوانی بر لزوم پیروی از سیره ایشان سفارش کرده است و آن حضرت را یک زن به تمام معنا می‌دانست (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵:

ج ۷ / ۳۳۷) و روز تولد ایشان را روز زن و در واقع روز حیات زن و روز پایه‌گذاری افتخار و نقش بزرگ آن حضرت سلام الله علیها در جامعه می‌دانست (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۴ / ۳۱۶).

۴- **توجه به درونی کردن کرامت:** امام رحمت الله علیه حفظ کرامت زن را محصور در کارهای شکلی ظاهری نمی‌دانست و بیش از هر چیز به تغییرات معرفتی و فرهنگی توجه داشت، چراکه معتقد بود اگر فرهنگ درست شود، جامعه درست می‌شود و اگر فاسد شود جامعه و جوانان فاسد می‌شوند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳ / ۳۰۶).

۵- **تفکیک بین پیشرفت زنان و انحطاط به بهانه پیشرفت:** در زمان طاغوت که برخی می‌خواستند کسانی چون امام رحمت الله علیه را مخالف رشد و پیشرفت زنان معرفی کنند، ایشان با تمایز نهادن بین رشد و ترقی با ایجاد انحطاط، با صراحت اعلام کرد که «ما با ترقی زنان مخالف نیستیم، با این فحشا مخالفیم» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱ / ۲۰۵).

۶- **توجه به آزادی زنان:** امام رحمت الله علیه به آزادی زنان در انتخاب سرنوشت خود و انجام فعالیت‌های اجتماعی و علمی اعتقاد داشت و تأکید می‌کرد که در حکومت اسلامی زن‌ها در تحصیل و در دیگر فعالیت‌ها آزاد هستند؛ همان‌طور که مردها آزاد هستند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۴۸). در نگاه ایشان، اسلام با آزادی زن نه تنها موافق بلکه خود را پایه‌گذار آزادی زن در تمام ابعاد وجودی زن دانسته است (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۵ / ۴۱۷). البته مرز آزادی زن را جایی می‌داند که به عفت او و مصحلت عمومی جامعه آسیبی نرسد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۵ / ۴۸۵).

۷- **اعتقاد به تساوی زن و مرد از نظر انسانیت:** ایشان معتقد بود در نظام اسلامی، زن هم حقوقی را دارد که مرد دارد، حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد زن هم حق دارد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۵ / ۱۸۹). هم‌چنین ایشان معتقد بود در مواردی که به مسائل اخلاقی معنوی و به اساس انسانیت انسان مربوط می‌شود، دیگر تفاوتی بین زن و مرد نیست (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۳۶۴ و ج ۵ / ۱۸۳). از این رو به‌عنوان مثال پیدایش هوای نفس و راه‌های درمان آن را از اموری می‌دانست که دیگر زن و مرد و عالم و عامی نمی‌شناسد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۲۱ / ۱۷۹).

۸- **باور به وجود تفاوت بین زن و مرد:** امام رحمت الله علیه در عین دفاع از تساوی زن و مرد از نظر حقوقی انسانی، تأکید می‌کند که در بعضی از موارد تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد که به حیثیت انسانی آن‌ها ارتباط ندارد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۲۶۴) بلکه مربوط به طبیعت آنان است و به‌همین خاطر هر کدام احکام خاص خود را نیز دارند (امام خمینی، ۱۳۸۵: ج ۵ / ۱۸۹، ۲۱۶ و ۲۱۷).

۹- **توجه به وظیفه‌های اساسی زنان:** ایشان وظیفه زنان را «انسان سازی» می‌دانست و معتقد بود «زن مربی انسان است» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶ / ۱، ۳ و ۳۰۰). این وظیفه مهم به صورت‌های مختلف در سخنان امام رحمت الله علیه بیان شده است. به‌عنوان مثال ایشان تأکید می‌کند که زنان وظیفه دارند علاوه بر تحصیل علم و کسب فضیلت‌های اخلاقی، به تربیت فرزندان صالح همت گمارند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶ / ۵۰۱). هم‌چنین بر شأن و شخصیت مادری زنان و اهمیت آن تأکید داشت و معتقد بود یکی از کارهای استعمارگران تحقیر شأن مادری و جایگاه آن در نزد زنان بود؛ در حالی که مادری کردن و تربیت فرزند، بهترین کارها در عالم است (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۴۴۷ - ۴۴۵: ج ۸ / ۱۱۷). ایشان بر ازدواج و تشکیل خانواده تأکید داشت و هم‌همی بانوان از جمله همسران شهدا را به این امر تشویق و ترغیب می‌فرمود (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۶ / ۱۹۶).

۱۰- **تأکید بر نقش مهم زن در جامعه و تمدن‌سازی:** امام رحمت الله علیه برای زنان شأن و شخصیتی والا و نقشی بزرگ، حتی بزرگ‌تر از نقش مردان جامعه قائل بود (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۴ / ۱۹۷) و این امر را به‌صورت گوناگون بیان می‌کرد؛ به‌عنوان مثال، زنان را مبداء همه‌ی خیرات و همه‌ی سعادت‌ها دانسته و سعادت و شقاوت جامعه را وابسته به آنان می‌دانست. او معتقد بود اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته شود، ملت‌ها به شکست و انحطاط دچار خواهند شد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۲۳۹: ج ۶ / ۳۰۰ و ۳۰۱).

۶-۲. وجه سلبی

رویکرد امام رحمت الله علیه به موضوع زن یک وجهی ایجابی و یک وجه سلبی دارد. توجّه به موارد زیر تا حدودی می‌تواند وجهی دوم این رویکرد را آشکار کند.

۱- **مخالفت با شیء و کالا شدن زنان:** امام رحمت الله علیه با صراحت اعلام می‌کند که «اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نبوده است. برعکس با مفهوم زن به‌عنوان شیء مخالفت کرده است» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳ / ۳۰۷). یکی از مهم‌ترین انتقادهایی هم که به رژیم پهلوی داشت آن بود که برنامه‌های این رژیم درباره‌ی زنان، آنان را از ارزش‌های انسانی تهی و به کالا یا عروسک تبدیل می‌کند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳ / ۴۷۲) به همین مناسبت ایشان تأکید می‌کند:

«در نظام اسلامی زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به‌صورت یک شیء. نه او حق دارد خود را به‌چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به‌اون چنین ببینند» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۴ / ۴۱۴).

۲- **خرافه‌زدایی از باورهایی نادرست نسبت به دیدگاه اسلام در مورد زنان:** به- عنوان مثال، در ماه‌های نزدیک به پیروزی انقلاب، امام ^{رحمت الله علیه} سعی کرد ضمن تبیین دیدگاه‌های خود درباره زنان، باوره‌های نادرستی را که به ویژه نزد غربیان در این باره وجود دارد اصلاح کند و نگرش اسلامی با قرائت خود را بیان دارد.

۳- **مخالفت با زمینه‌های تعرض به کرامت زنان:** امام ^{رحمت الله علیه} با اموری که موجب نابسامانی‌های اجتماعی می‌شود و زمینه‌ی تهدید کرامت زنان را فراهم می‌کند مخالف است. مخالفت ایشان با اختلاط زنان و مردان در مکان‌هایی چون دریا را می‌توان اقدامی در این راستا دانست (امام خمینی ^{رحمت الله علیه}، ۱۳۸۵: ج ۹ / ۲۰۵).

۷. بررسی گفتمان‌های امام خمینی ^{رحمت الله علیه} در مورد زنان

(رابطه‌ی میان گفتار و نوشتار ایشان با فضای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران)

امام خمینی ^{رحمت الله علیه} به‌عنوان نمادی از فقه پویای شیعه که بر اساس مقتضیات زمان و مکان سخن گفته و حکم صادر کرده‌اند، در مورد مسأله‌ی زنان نیز موضع‌گیری‌های متنوعی داشته‌اند که اگر خواننده اظهارات و نوشته‌های ایشان - متن - را بدون شرایط زمانی و مکانی که در آن سخن گفته‌اند در نظر بگیرد، در تحلیل و تفسیر خود دچار اشتباه و انحراف خواهد شد. دیدگاه‌های امام خمینی ^{رحمت الله علیه} در مقاطع مختلف متناسب با منطق موقعیت و شرایط روز جامعه دچار تحول و تغییر شده است به عبارتی با بررسی و مطالعه متون - نوشتار و گفتار و کردار امام ^{رحمت الله علیه} - در چهارچوب بسترهای سیاسی - اجتماعی، می‌توان به تحول دیدگاه امام ^{رحمت الله علیه} در قبال زنان و فعالیت‌های آنان در دوره‌های گفتمانی مورد نظر پی‌برد. به این ترتیب یکی از ممیزات اصلی امام خمینی ^{رحمت الله علیه} نسبت به اکثر مراجع و روحانیون بلند پایه و مطرح این دوران و دوره‌های قبل و بعضاً بعدی حساسیت ایشان به مسائل زمان و مکان و توجه به شرایط جدید پدید آمده است. ضمن این که توجه جدی به اصول بنیادین اسلام و حرکت در همین چهارچوب نیز همواره مد نظر ایشان بوده است بر این اساس انعطاف‌پذیری ایشان در قبال شرایط جدید در قالب چهارچوب حفظ اصول اساسی اسلام بود. که اظهارات ایشان در مورد زنان و فعالیت اجتماعی آنان نیز از آن مستثنی نمی‌شود. با پذیرش این مسئله برای تحلیل گفتمان کلام امام ^{رحمت الله علیه} ناگزیریم که رابطه‌ی میان گفتار و نوشتار ایشان را با فضای تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی لحاظ کنیم. در نتیجه دوران حیات سیاسی ایشان را به چند دوره گفتمان در مورد زنان و فعالیت ایشان تقسیم می‌کنیم. طبیعی است که متناسب با شرایط هر دوره، دیدگاه امام ^{رحمت الله علیه} نسبت به زنان و فعالیت‌های آنان متفاوت می‌شود. این تفاوت نگرش‌ها، پویایی نگاه امام ^{رحمت الله علیه} را نسبت به مسائل زنان نشان می‌دهد. دوره‌های مورد اشاره عبارت‌اند از:

- از سال‌های آغازین دهه ۲۰ تا فوت آیت‌الله بروجردی و آغاز مرجعیت امام در دهه ۴۰
- از سال‌های آغازین دهه ۴۰ تا شروع مقدمات انقلاب اسلامی در سال ۵۶
- از سال ۵۶ تا پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷
- از پیروزی انقلاب تا رحلت حضرت امام رحمت الله علیه در سال ۶۸

۷-۱. از سال‌های آغازین دهه ۲۰ تا دهه ۴۰ گفتمان نفی کشف حجاب

دوران اول که به‌طور خاصی از اواخر حکومت رضاشاه شروع می‌شود و با فوت آیت‌الله بروجردی در اوایل دهه ۴۰ به پایان می‌رسد، متأثر از فضای پدید آمده‌ی ناشی از سیاست‌های غیردینی رضاشاه و محمدرضا در زمینه‌ی احیای سنت‌ها و ارزش‌های باستانی ایران قبل از اسلام و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دین، خصوصاً در اعتراض به سیاست تحمیلی رضاخان مبنی بر کشف حجاب زنان به‌عنوان زمینه‌ای برای آزاد شدن نیمی از جمعیت کشور جهت فعالیت در اجتماع است. در سند مورخ ۲۷ آذر ۱۳۱۴ وزیر داخله و رئیس الوزراء محمود جم با توجّه به موضوع کشف حجاب، اصلاح زنان و تربیت آنان را یکی از مهم‌ترین اصلاحات اجتماعی به شمار می‌آورد و می‌نویسد:

«مادامی که نصف جامعه مستور و از برکت علم و تربیت و زندگانی اجتماعی خارج و دور باشد به اصطلاح پرده نیشن قادر به حفظ و حیثیت و شرافت خود نبوده همیشه دستخوش مردها بوده و نمی‌تواند کمکی به عائله و شوهر خود باشد. دائماً محتاج به یک قیم و صاحبی خواهد بود» (به نقل از جعفری، ۱۳۷۳: ۷۰).

رضاشاه مدعی بود که وقتی مردم لباس متحدالشکل بپوشند و کلاه پهلوی بر سر گذرانند و نسبت به تقیدات دینی سست شوند، متمدن خواهند شد. شاه نیز دلخوش بود که با تغییر لباس و کنار گذاشتن مذهب جامعه متمدن خواهد شد (جعفری، ۱۳۷۳: ۲۳). مهدی قلی هدایت، نخست وزیر رضا خان در آن مقطع پیرامون کشف حجاب می‌نویسد:

«بالجمله امر صادر شد که از اول فروردین ۱۳۱۴ مردها کلاه فرنگی (لگنی) بر سر بگذارند و زن‌ها چادر را ترک کنند. کلاه اجنبی ملیت را از بین برد و برداشتن چادر عفت راه، پرده‌ی حجاب باقی بود زن‌ها لباس بلند پوشیدند و روسری بپوشیدند و این حجاب شرعی بود. پلیس دستور یافت روسری را از سر زن بکشند. روسری‌ها پاره شد و اگر ارزش داشت تصاحب مدتی زد و خورد بین پلیس و زن‌ها دوام داشت بسیار زن‌ها را شنیدم که از خانه بیرون نیامدند. امر شد میرزین محل مجالس ترتیب بدهند زن و مرد محل را دعوت کند که اختلاط عادی شود» (هدایت، ۱۳۷۵: ۴۰۷).

وقتی این تلقی نخست وزیر رضاه شاه است، طبیعی است که دیدگاه و نظر مراجع و علمایی هم چون حضرت امام رحمت الله علیه در این خصوص چگونه است. این اقدام از نظر امام رحمت الله علیه به-

عنوان حلقه‌ای از زنجیره سیاست‌های رژیم جهت تحذیر مردم و بازماندن آنان از مسائل اساسی جامعه تلفی شد. طبیعی است که در چندین فضای مسمومی ایشان نسبت به هر اقدامی که از سوی حکومت در حمایت از زنان و فعالیت آنان صورت می‌گرفت. واکنش منفی نشان می‌داد و آن را مضر به حال قشر نسوان به‌طور خاص و جامعه به‌طور عام تلقی می‌کرد. امام رحمت الله علیه با موضع‌گیری مرجع در قبال کشف حجاب زنان با توصیف آنان به‌عنوان خانمان سوزترین اعمال ظالمانه دیکتاتور گریزها از آن به‌عنوان خیانت بزرگ رضاخان یاد کرده (امام خمینی رحمت الله علیه، بی‌تا: ۲۳۹) و در کتاب کشف الاسرار با انتقاد نسبت به حکومت رضاخان و این اقدام می‌نویسد:

«آنان که تمدن و تعالی مملکت را با لخت شدن زن‌ها در خیابان‌ها می‌دانند و به‌گفته‌ی بی‌خردانه‌ی خودشان با کشف حجاب نصف جمعیت مملکت کارگر می‌شود (لکن چه کاری هم می‌داند و می‌دانیم) حاضر نیستند مملکت با طرز معقولانه و در زیر قانون خدا و عقل اداره شود آن‌هایی که این قدر قوه تمیز ندارند که کلاه لگنی را که پس مانده درندگان اروپاست ترقی کشوری می‌دانند با آن‌ها حرفی نداریم و توقع آن‌ها هم نداریم که آن‌ها از ما سخن خردمندانه را بپذیرند. عقل و هوش و حس آن‌ها را اجانب دزدیده اند» (امام خمینی رحمت الله علیه، بی‌تا: ۲۲۳ و ۲۲۴).

امام رحمت الله علیه در تاریخی‌ترین سند مبارزاتی خود در تاریخ ۱۱ جمادی الاول ۱۳۶۳ ضمن آن که بدبختی و تیره روزی کشور را به خاطر قیام برای منافع شخصی عنوان می‌کنند می‌گویند:

«قیام برای نفس است که چادر عفت را از سر زن‌های عفیف مسلمان برداشت و الان هم این امر خلاف دین و قانون در مملکت جاری است و کسی بر علیه آن سخن نمی‌گوید» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۷ / ۲۲).

اقدامات دیگر رضاشاه هم چون تأسیس و گسترش مدارس دخترانه و هم‌چنین تأسیس دانشگاه که از دختران نیز دانشجو می‌پذیرفت. از نمونه‌های دیگر رضا شاه است این اقدامات هرچند به گروه کمی از زنان یاری می‌رساند ولی به دلیل عدم تناسب با واقعیات روز جامعه ایران با واکنش و مخالفت خانواده‌ها و محافل مذهبی مواجه شد. پهلوی دوم در سال‌های اول حکومت از میزان فشار به زنان تا حدودی کاست هرچند کشف اجباری در عمل لغو شد ولی آثار سیاست‌های مستبدانه گذشته هم‌چنان کام مراجع را تلخ می‌کرد. ضمن این‌که سیاست‌های رژیم با شدت کم‌تری در ادامه سیاست‌های قبلی مبتنی بر کم‌رنگ کردن آثار و نشانه‌های دینی بود.

باتوجه به آن‌چه گذشت دوران مورد اشاره متأثر از سیاست‌های مدرن‌سازی و تجدیدگرایی ظاهری رضاشاه و محمدرضا شاه است که مانع اصلی فعالیت زنان و داشتن حجاب تلقی می‌شود. به همین دلیل امام رحمت الله علیه، حضور زنان را در چنین فضایی ناصواب دانسته به کرات در قبال اقدامات رژیم اعلام موضوع می‌نماید. به‌عبارتی در حالی که تأکید و سیاست پهلوی‌ها بر کشف حجاب است و کشف حجاب را به‌عنوان مقدمه‌ای برای حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان تلقی می‌کنند، تأکید

حضرت امام رحمت الله علیه در این دوران بر مقابله با این دو وجه یعنی کشف حجاب و حضور نمادین زنان است.

۷-۲. از آغاز دهه ۴۰ تا سال ۵۶

گفتمان مخالفت با حضور سیاسی - اجتماعی زنان سیاست‌های این دوران در آن ادامه طبیعی دوره قبل است؛ مضاف بر این که، رژیم دوران تحکیم قدرت خود را طی می‌کرد و در چنین فضایی با قدرت بیشتری در صدد محقق کردن سیاست‌های خود بود. در این دوره حکومت محمدرضاشاه که واقعه‌ی کودتا و سرکوب نهضت ملی مردم ایران را پشت سر گذاشته و به حمایت آمریکا و انگلیس پشت گرم بود، در جهت مدرن‌سازی کشور و تجدد ملت گام‌های تازه‌ای بر می‌داشت؛ از جمله این گام‌ها، سیاست‌های فرهنگی - اجتماعی و توجه به نقش زنان و حضور آنان در ادارات و نهادهای حکومتی بود. امام خمینی رحمت الله علیه این سیاست را در راستای به تباهی کشاندن زنان می‌دانست.

محمد رضا پهلوی، بر اساس درک خویش از نوسازی و توصیه‌های سیاست‌گزاران آمریکایی دست به یک رشته اقدامات تازه زد تا به پندار خویش ایران را از یک جامعه نیمه کشاورزی به کشوری مدرن، صنعتی و متمدن تبدیل کند. در این میان بروکراسی دولت روز به روز گسترده می‌شد و فساد و ریخت و پاش‌ها به‌ویژه در میان خاندان سلطنتی شدت می‌گرفت. همراه با این اقدامات تلاش‌هایی نیز برای گسترش سوادآموزی و توسعه‌ی کمی دانشگاه‌ها انجام شد؛ بخش خدمات گسترش یافت و به جذب کارمندان بسیاری پرداخت. طبیعتاً در نتیجه‌ی این سیاست‌ها، سهم باسوادان زنان و همچنین ورود زنان به دانشگاه‌ها بیشتر شد. از سوی دیگر، گسترش کمی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و همچنین بخش‌های فزاینده‌ی اداری به جذب برخی از زنان به بازار کار انجامید (حافظیان، ۱۳۸۰: ۷۱ و ۷۲). همراه با این اقدامات، شاه به تبیین و تدوین ایدئولوژی تمدن بزرگ خود پرداخت. طبیعی بود که در این ایدئولوژی، شاه برای زنان نیز جایگاه ویژه‌ای در نظر گرفته بود و هراز چند گاهی آن را به صورت برخی الگوها مطرح می‌ساخت. شاید بتوان غربی شدن را همه‌ی آن چیزی دانست که شاه برای جامعه‌ی خود و برای زنان در دوره‌ی مورد اشاره مد نظر داشت (همان: ۷۳).

بر اساس ایدئولوژی تمدن بزرگ، خاندان سلطنتی به صورت الگوی آرمانی خانواده در ایران مطرح گردید. سازمانی تحت عنوان سازمان زنان ایران برای قراردادن زنان در روند نوسازی به عنوان سیاست رسمی و کانالیزه کردن مشارکت زنان در جامعه تأسیس شد (حافظیان، ۱۳۸۰: ۸۶). در این دوران، دولت سیاست تغییر شکل فرهنگی جامعه‌ی ایران را دنبال می‌کرد. تاریخ ایران از نو نوشته شد، تقویم ایران تغییر کرد و سبک زندگی مصرف‌گرا و تجملی خاندان پهلوی به عنوان نمونه و الگو تبلیغ می‌شد. یکی از مسائلی که در این هنگام مجدداً مورد توجه واقع شد، مسأله‌ی حجاب

زنان بود. این در حالی بود که پس از سقوط رضاشاه سیاست سرکوبگرانه وی در کشف حجاب تا حدودی به کنار گذاشته شده بود و گروهی از زنان که در گذشته وادار به کنار گذاشتن حجاب خود شده بودند بار دیگر به حجاب روی آوردند (فورن، ۱۳۷۷: ۱۹۳).

با آغاز سیاست‌های جدید دولت، بار دیگر حملات حکومتی به حجاب شدت گرفت و حکومت حجاب را یکی از عوامل عقب ماندگی زنان و مانع ورود آنان به تمدن بزرگ جلوه داد. در این دوره، پیش شرط ترقی یک زن در جامعه، کنار گذاشتن حجاب بود. در همین حال، الگوی تازه‌ی زن ایرانی توسط دستگاه‌های تبلیغی رژیم ارائه شد. برنامه‌هایی هم‌چون انتخاب دختر شایسته سال نمونه‌ای از آن بود که هدف آن معرفی زن شایسته در ایدئولوژی تمدن بزرگ بود. این در حالی بود که افکار و باورهای زن مسلمان ایرانی، مورد تحقیر دستگاه‌های تبلیغی حکومت قرار می‌گرفت و متقابلاً الگوهای رفتاری سبک غربی ترویج می‌یافت.

در واکنش به چنین فضایی است که حضرت امام رحمت الله علیه در مقاطع مختلف دیدگاه‌های خود را در قبال سیاست‌های ترویجی شاه در مورد زنان عنوان می‌کنند. با توجه به مفاسد مترتب بر حضور زنان در اجتماع در طی دوران مورد بحث و بهره‌برداری‌های سوئی که رژیم شاه از فعالیت طیفی محدود از زنان می‌کرد و اصولاً نگرش خاص و محدودی که حکومت نسبت به فعالیت‌های اجتماعی زنان داشت، امام رحمت الله علیه نیز مخالفت خود را با اقدامات شاه در این زمینه به کرات طی دوران مورد نظر اعلام کردند. بر همین اساس ایشان طی اظهاراتی خطاب به وعاظ و گویندگان مذهبی چنین می‌گوید:

«از دخالت زن‌ها در اجتماعی که مستلزم مفاسد بی‌شمار است، ابراز انزجار و دین‌خارا یاری کنید و بدانید که ان تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱/ ۲۳۰).

امام رحمت الله علیه ورود زنان را طی سال‌های مورد اشاره به ادارات، مطابق سیاست‌هایی که رژیم اعمال می‌کرد مفسده آمیز و مخل روند فعالیت‌ها می‌دانست، چراکه به عینه هدف از ورود زنان در برخی مشاغل خدماتی و خاص را نه خدمت به زنان بلکه در راستای فشل شدن امور تلقی می‌کرد. این موضع‌گیری مبتنی بر تحلیل کلی امام رحمت الله علیه نسبت به جهت‌گیری کلی حکومت شاه است. سال ۴۱ در حالی که بیش از دو دهه کشف حجاب می‌گذشت، امام رحمت الله علیه می‌فرمایند:

«شما ببینید بیست و چند سال است از این کشف حجاب مفتضح گذشته است حساب کنید چه کرده‌اید؟ زن‌ها را وارد کردید در ادارات: ببینید در هر اداره‌ای که وارد شدند، آن اداره فلج شد. فعلاً محدود است علما می‌گویند توسعه ندهید. به استان‌ها نفرستید. زن اگر وارد دستگاهی شد، اوضاع را به هم می‌ریزد می‌خواهید استقلال‌تان را زن‌ها تأمین کنند؟» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱/ ۱۱۸).

گفتنی است که با توجه به استفاده ابزاری که از زنان در فعالیت‌های مختلف در این مقطع زمانی می‌شد ورود آنان به عرصه اجتماع در این دوره از نظر امام رحمت الله علیه به کلی مضر و مخاطره آمیز عنوان می‌گردد. اما در سال ۴۱ خطاب به علم با موضع‌گیری قاطعانه علیه مصوبه انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ورود زن‌ها به مجلس و انجمن‌های ایالتی و ولایتی شهرداری را مخالف قوانین محکم اسلام دانسته و تشخیص آن‌را به نص قانون اساسی بر عهده‌ی علمای اعلام و مراجع نظام می‌دانند. ایشان با استفاده از این نکته که فقهای اسلام و مراجع مسلمین به حرمت چنین عملی فتوا داده و می‌دهند و به دلیل شرایط حاکم در این دوران و سوء استفاده‌هایی که از حضور زنان در برخی نهادهای اجتماعی می‌شود. حکم به حرمت آن می‌دهند. امام رحمت الله علیه پیشنهاد ورود بانوان به عرصه‌ی انتخابات مجلس‌های ایالتی و ولایتی را بیش‌تر بهانه برای تحت الشعاع قرار دادن معارضه رژیم با اسلام و قرآن دانسته چنین می‌گویند:

«دیدم که از اولی که این دولت بیسواد و بی حیثیت روی کار آمد از اول اسلام را هدف قرار داد: در روزنامه با قلم درشت نوشتند که بانوان را حق دخالت در انتخابات داده‌اند، لکن شیطنت بود؛ برای انعطاف نظر عامه‌ی مردم به آن موضوع بود که نظر شان به الغای اسلام و الغای قرآن درست نیفتد، ولهذا در اولی که این‌جا ما متوجه شدیم و اجتماع شد و آقایان مجتمع شدند با هم برای علاج کار توجه ما در دفعه اول منعطف شد به همان قضیه، بعد که مطالعه کردیم دیدیم آقا، قضیه، قضیه‌ی بانوان نیست، این یک امر کوچکی است قضیه معارضه با اسلام است» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱ / ۲۰۹).

امام رحمت الله علیه و سایر مراجع با تلقی این مصوبه به عنوان تجاوز دستگاه حاکم به احکام مقدسه اسلام و احکام مسلمة قرآن اعلام می‌کنند که:

«دستگاه جابر در نظر دارد تساوی حقوق زن و مرد را تصویب و اجرا کند. یعنی احکام ضروریه اسلام و قرآن را زیر پا بگذارد. یعنی دخترهای هجده ساله را به نظام اجباری ببرد و به سربازخانه‌ها بکشد یعنی بازور و سر نیزه دخترهای جوان عقیف مسلمان را به مراکز فحشا ببرند» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱ / ۱۵۳).

در حالی که رژیم بر آن بود با برخی از اقدامات نمایشی و ظاهری در عرصه‌های مختلف اعم از داخلی و خارجی برای خود جایگاه و موقعیت کسب کند و در شرایطی که اکثر زنان و حتی مردان ایران با مسائل و مشکلات زاید الوصفی مواجه بودند امام رحمت الله علیه در بیاناتی قاطعانه چنین می‌گوید:

«مگر با چهار تا زن فرستادن به مجلس، ترقی حاصل می‌شود؟ مگر مردها که تاحالا بودند ترقی برای شما درست کردند تا زن‌هایتان ترقی (درست کنند) ما می‌گوییم این‌ها را فرستادن در این مراکز جز فساد چیزی نیست. شما بعد تجربه کنید ببینید بعد از ده سال بیست سی سال دیگر این‌ها را بفروستید به خیال خودتان ببینید اگر شما جز فساد چیز دیگری دیدید؟ ما با ترقی زنان

مخالف نیستیم. با این فحشا مخالفیم. با این کارهای غلط مخالفیم» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱/۱، ۳۰).

امام رحمت الله علیه با طرح این سؤال که مگر مردها آزاد که زن‌ها می‌خواهند آزاد باشند. به ذکر این نکته می‌پردازد که آزادی افراد اعم از مردان و زنان، در حیطة الفاظ و حرف نیست. بلکه این امر مستلزم حرکت از حیطة حرف به حیطة عمل است ایشان با بیان علت تأکید رژیم بر حضور طیفی از زنان در برخی از مشاغل، فساد و فحشا ناشی از حضور این گروه را غیر قابل توجیه و مباین با ترقی زنان عنوان می‌کند. ایشان با بیان این نکته که اسلام مراعات بانوان را در تمام جهات بیش از هر کس می‌کند. معتقدند احترام به حیثیت اجتماعی و اخلاقی زنان موجب شده است که از اختلاط آنان که با عفت و تقوا مخالف است جلوگیری شود. نه آن‌که بخواهند آنان را مانند مجبورین و محکومین قرار دهند. امام خمینی رحمت الله علیه با طرح این مسأله که در زمان رضاشاه و محمدرضاشاه به زنان بیش‌تر از بقیه اقشار ظلم شد چنین می‌گوید:

«در زمان این پدر و پسر به بانوان ما بیش‌تر ظلم شد تا به سایر اقشار در زمان رضاشاه ... با اسم این که می‌خواهیم ایران را به نظیر اروپا مثلاً بکنیم. ایران را متحد بکنیم با بانوان نمی‌دانید چه کردند این‌ها دو طایفه در آن وقت از همه بیش‌تر بهشان ظلم کردند یکی بانوان بود ... یکی هم روحانیون بود» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۸/ ۳۵۴).

بنابراین علی‌رغم این که در این دوران زنان از برخی حقوق هم‌چون حق انتخاب شدن و حق انتخاب کردن و مشارکت در برخی سطوح اجتماعی بهره‌مند شدند، ولی به دلیل فضای فاسد و ناامن موجود بعضاً زنان و خانواده‌های آن‌ها حاضر به حضور و فعالیت آن‌ها نبودند و این امر تنها در برخی لایه‌های محدود اجتماعی خلاصه می‌شد.

در ثانی در این دوره مشارکت به معنای واقعی وجود نداشت و طیف محدودی نیز که در سطح عالی‌ه فعالیت می‌کردند عمدتاً از وابستگان و اقارب دربار و حکومت بودند نه زنان سطوح دیگر فعالیت زنان در لایه‌های پایین‌تر نیز بیش‌تر در حد منشی‌گری، فعالیت‌های خدماتی و جنبه‌های صوری محدود می‌شد و بر این اساس بعضاً جسم و فیزیک زمان محدود فعالیت آن‌ها بود و به همین خاطر نیز امام رحمت الله علیه مخالف حضور و فعالیت زنان به این نحو در ایران دوران بودند.

۷-۳. از سال ۵۶ تا بهمن ۵۷ گفتمان حمایت از حقوق مساوی زنان و مردان

در مقطع سال‌های ۵۶ تا ۵۷ و حوادثی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید تحول جدی در جامعه ایران پدید آمد. این تحول در نگرش زنان نسبت به خود و تحول در نگرش جامعه نسبت به زنان است همین تحول است که ضرورت حضور زنان را در جامعه و مشارکت در ساختن بنای جدیدی که مردم آن را ارائه کرده‌اند توجیه می‌کند.

میلیون‌ها زن ایرانی با شادمانی از پشت چهاردیواری خانه به صحنه عمومی گام گذاشتند. همراهی آنان با انقلاب اشکال متفاوتی داشت، از جمع آوری و پخش اخبار گرفته تا کمک به مجروحین، از تظاهرات در خیابان‌ها گرفته تا مبارزات مسلحانه و جنگ چریکی. امام رحمت الله علیه با طرح مظلوم بودن زنان در دو دوره یعنی عصر جاهلیت و عصر پهلوی، به مقایسه این دو دوره پرداخته چنین اظهار می‌کند:

«مع الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است یکی در جاهلیت در جاهلیت، زن مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان، زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت بیرون کشید. مرحله جاهلیت مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات بلکه پایین‌تر از آن (می‌شمردند) زن در جاهلیت مظلوم بود اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران ما زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق بود و شاه لاحق به اسم این که زن را می‌خواهند آزاد کنند ظلم کردند به زن ظلم‌ها کردند به زن، زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت شیء کردند به اسم آزادی، آزاد و زنان و آزاد مردان، آزادی را از زن و مرد سلب کردند ... از مقام انسانیت زن را فروکشیدند به مرتبه یک حیوان. به اسم این که برای زن می‌خواهد مقام درست کند زن را از مقام خودش پایین‌تر آورد. زن را مانند یک عروسک درست کردند(امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳۸/۷).

امام رحمت الله علیه با طرح این نکته که اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی زنان نبوده است به عکس با مفهوم زن شیء شده و عنوان شیء مخالفت کرده و شرافت و حیثیت وی به وی باز داده است اعلام می‌کند:

«زن مساوی مرد است زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند اما رژیم شاه است که با غرق کردن آن‌ها در امور خلاف اخلاق، می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند. اسلام شدیداً معترض به این امر است رژیم آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پایمال ساخته است»(امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳۷۰/۳).

از اظهارات فوق به‌خوبی آشکار می‌شود که امام رحمت الله علیه در این دوره، فعالیت زنان و حاکم بودن آنان بر سرنوشت خودشان را در فضایی سالم و اخلاقی ضروری دانسته مخالفت خود را با استفاده از زنان در جهت اهداف و مطالع مردان ذکر می‌کنند.

نکته‌ی مهم در این دوران برگزیدن حجاب به‌عنوان ابزار مبارزه توسط زنان با گرایش‌های مختلف فکری است. مسأله مهمی که رخ داد این بود که حجاب یک نشانه عقب‌ماندگی در نظر برخی اقشار جامعه، تبدیل به نشانه‌ی ارزش اجتماعی گردید. برخی حجاب را بدین خاطر پذیرفتند که اعتراض خود را نسبت به تبدیل شدن زنان به اشیای جنسی نشان دهند و دیگر زنان نیز حجاب را به‌عنوان وظیفه مذهبی مورد استفاده قرار دادند. به هر حال معنای کلی حجاب در حال تغییر بود.

حجاب و گسترش این پدیده در جامعه ضمن آن که تأکیدی بر افزایش گرایش‌های اسلامی در طیف‌هایی از جامعه بود در عین حال به‌عنوان نمادی از مخالفت با رژیم پهلوی تلقی می‌شد (کدی، ۱۳۶۹: ۳۶۵) و در یک کلام نشانه‌ای از روند حرکت جامعه به سمت سالم‌سازی فضای سیاسی-اجتماعی و امکان حمایت از حضور زنان بود. با توجه به شرایط خاص ایجاد شده در حالی که امام در طی دوران گذشته به دلیل وضعیت حاکم و سیاست‌هایی که توسط رژیم اعمال می‌شد نسبت به حضور زنان در فعالیت‌های اجتماعی ابراز تردید و نگرانی می‌کردند در این دوران خود مشوق ورود زنان به جامعه و به دست گرفتن مقدرات خود می‌شدند. امام رحمت الله علیه با طرح این مسأله که هم‌اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند تأکید می‌کنند که در نظام اسلامی زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد. حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن، در تمام جهات که مرد حق دارد زن هم دارد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۸۹/۵). ایشان با باور به این مسأله که از نظر حقوق انسانی تفاوتی بین مرد و زن نیست. زیرا هر دو انسان هستند و زن هم‌چون مرد حق دخالت در سرنوشت خویش را دارد بر این اعتقاد بودند که تفاوت‌هایی که بین زن و مرد وجود دارد به حیثیت انسانی آنان ارتباط ندارد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳۶۴/۴). هم‌چنین معتقد بودند که از نظر اسلام، زنان نقش حساس در جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقا می‌دهد که بتواند مقام انسانی خود را در جامعه بازیابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید؛ در نتیجه متناسب با چنین رشدی زن می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی بر عهده بگیرد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۳۳۶/۴). ایشان بر همین مبنا در طی ماهایی که حرکت انقلابی مردم در جریان بود، بارها اعلام کردند:

«در نظام اسلامی زن به‌عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد ولی نه به‌صورت یک شیء نه او حق دارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیاندیشند» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۴/۴۱۴).

چنانکه مشاهده می‌شود حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در این مقطع متأثر از فضای سیاسی-اجتماعی به صراحت از مشارکت و نقش زنان حمایت می‌کند و بر خلاق دوره قبل که حضور زنان را در انتخابات و مشارکت آنان در عرصه اجتماع مفسده‌انگیز تلقی می‌کردند متناسب با تغییر موقعیت زمانی نظر خود را در این زمینه تغییر می‌دهند. حضرت امام رحمت الله علیه با تأکید بر ضرورت حضور و فعالیت زنان در صحنه اجتماعی در این دوره به کرات اعلام می‌کنند که تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۵۰۸/۴).

امام رحمت الله علیه با رد شبهاتی که در زمینه محدود شدن زنان در یک نظام اسلامی وجود داشت بر این امر پافشاری می‌کنند که زنان نیز مثل مردان در عرصه‌های اجتماعی حضور داشته باشند. به اعتقاد ایشان زنان در همه‌ی شئون دخالت دارند. امام رحمت الله علیه با تأکید بر این نکته که ما می-

خواهیم زن به مقام والای انسانی برسد و زن باید در سرنوشت خودش دخالت داشته باشد؛ هم به نفی گذشته می‌پرداختند و هم نگاه خود را نسبت به آینده بیان می‌داشتند.

بر اساس همین نگرش بود که زنان نیز در لیبیک به اظهارات مؤکد امام خمینی رحمت الله علیه در طی ماه‌هایی که منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی شد. به یک باره با حضور در صحنه‌ی تظاهرات و فعالیت‌های اجتماعی دیگر که منتهی به سقوط رژیم پهلوی شد. با رد و نفی نگرش شیء نگرانه به خود و حضور خود در صحنه‌ی اجتماع به منصفی ظهور رساندند توجه به این نکته ضروری است که در این دوره خصوصاً حضور زنان پیش از پیش جلب توجه می‌کرد که در طی سال‌های گذشته خود و خانواده‌شان محیط را مناسب برای حضور نمی‌یافتند. به عبارتی با امنیت خاطر که از کلام امام رحمت الله علیه برای حضور زنان ایجاد شده بود، خیل زنان از صنوف و طبقات و سنین مختلف در صحنه حاضر شدند و حضور و فعالیت را به‌عنوان یک وظیفه و حق اساسی برای خود تلقی کردند.

۷-۴. از سال ۵۷ تا خرداد ۶۸

گفتمان ترغیب زنان به مشارکت سیاسی به‌عنوان حق و تکلیف دوران چهارم سال ۶۸ را دربر می‌گیرد. مقطع زمانی بین پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷ تا رحلت امام خمینی رحمت الله علیه در سال ۶۸ را در بر می‌گیرد. در نخستین ماه پیروزی انقلاب اسلامی، امام رحمت الله علیه قاطعانه اعلام می‌کند که اسلام زن را مثل مرد در همه شئون دخالت می‌دهد. از این رو اعلام می‌کند این خرابه‌ای که برای ما باقی گذاشته‌اند باید به‌دست همه ملت ایران چه مردان و چه زنان ساخته شود (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶ / ۳۰۱). اعتقاد امام رحمت الله علیه در آغاز دوره جدید این بود که زنان باید در سیاست اساسی مملکت دخالت کنند و هر موقع که اقتضا کند نهضت و قیام کنند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶ / ۳۰۱). امام رحمت الله علیه با اعتراف به این نکته که آن چه در ایران بزرگ‌تر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۸ / ۴۰۲). حضرت امام خمینی رحمت الله علیه بر این باور بودند که اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت به غیر از این تحولی که در بانوان و جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۴ / ۱۹۷). از نظر حضرت امام رحمت الله علیه تحولی که در زمان بعد از انقلاب ایجاد شد بیش از تحولی بود که در مردها پدید آمد:

«آنقدری که این جامعه محترم به اسلام خدمت کردند در این زمان بیش‌تر از مقداری است که مردها خدمت کردند» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۱ / ۵۰۹).

نکته مهم و قابل ملاحظه در دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه در این دوره علاوه بر خواست امام رحمت الله علیه از زنان برای حضور در صحنه، تأکید ایشان بر ضرورت حضور خانم‌ها در سیاست و

مقایسه‌ای است که ایشان به دخالت خانم‌ها و روحانیون در امر سیاست دارند. امام ^{رحمت الله علیه} در این زمینه می‌فرمایند:

«خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت نکنند، تکلیفشان است، روحانیون هم حق دارند در سیاست دخالت نکنند تکلیف آن‌هاست. دین اسلام یک دین سیاسی است که همه چیزش سیاست است، حتی عبادتش» (امام خمینی ^{رحمت الله علیه}، ۱۳۸۵: ج ۱۰/ ۱۵).

با توجه به این مسأله که نوعاً عرصه سیاست، عرصه‌ای مردانه تلقی می‌گردد و شبههاتی که توسط رژیم مبنی بر جدایی دین از سیاست طی سال‌های حکومت پهلوی القا می‌شد، این اظهارات امام ^{رحمت الله علیه} بسیار معنی‌دار و تأمل برانگیز است. به عبارتی، امام ^{رحمت الله علیه} در این جمله حضور و فعالیت زنان در عرصه سیاست را با حضور و فعالیت روحانیون در سیاست مقایسه می‌کنند و برای هر دو امر به یک اندازه اهمیت قائل هستند؛ به علاوه، فعالیت در عرصه‌ی سیاست، برای زنان هم حق و هم تکلیف تلقی می‌شود.

امر مهم و قابل ملاحظه دیگر در این دوران تأکید ایشان بر حضور زنان در انتخابات و رأی‌گیری‌هاست امری که در دوره‌های قبلی به دلیل بستر خاص سیاسی- اجتماعی حاکم و مفسد مترتب بر آن مورد نفی و رد امام ^{رحمت الله علیه} و سایر مراجع بود. در این دوران به‌عنوان یک تکلیف و وظیفه شرعی مطرح می‌شود و این از حساسیت‌های رهبران شیعه نسبت به زمان و شرایط حاکم بر آن است که برای یک عمل یا موضوع ثابت در دو دوره مختلف زمانی دو حکم متفاوت صادر می‌شود. امام ^{رحمت الله علیه} به دفعات در این دوره بر حق رأی زنان تأکید کرده می‌گویند:

«زن‌ها حق رأی دارند؛ از غرب بالاتر است این مسأله که برای زن‌ها ما قائل هستیم؛ حق رأی دادن دارند، حق انتخاب دارند، حق انتخاب شدن دارند» (امام خمینی ^{رحمت الله علیه}، ۱۳۸۵: ج ۴۳۶/۶).

در اولین سال پس از پیروزی انقلاب، زنان در انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۵۸ شرکت کردند و یک زن (خانم منیژه کرجی) نیز به‌عنوان عضو مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد پس از آن نیز در انتخابات مجلس شورای ملی (اسلامی) در سال ۵۹ زنان مشارکت فعال داشتند چند نفر در این انتخابات از تهران انتخاب شدند هر چند متناسب با دیدگاه سنتی موجود عده-ای از نمایندگان طی نامه‌ای برای امام ^{رحمت الله علیه} درخواست اخراج نمایندگان زن را از مجلس داشتند که البته امام ^{رحمت الله علیه} به نامه این جمع وقعی ننهاده پس از آن زنان پشت گرم به حمایت امّا در انتخابات مجلس در ادوار بعدی به‌صورت فعال شرکت کردند و کرسی‌های ولو محدود به خود اختصاص دادند.

امام ^{رحمت الله علیه} با بزرگداشت زنان به‌عنوان طیفی در کنار مردان بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشتند، توجه زنان را به این نکته جلب کنند که آن‌ها باید توجه داشته

باشند که با شرکت فعالانه‌ی خود در انقلاب، پیروزی ملت ایران را هرچه بیش‌تر تضمین کنند؛ چرا که شرکت در این امر، برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۶/۴۰۸). امام رحمت الله علیه با پذیرش حضور و فعالیت اجتماعی زنان و طرح ضرورت آنان در دوران جدید به علت مخالفت خود با این قضیه در دوران حکومت پهلوی نیز پرداخته چنین می‌گوید:

«البته شغل برای زن ما شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد. لکن نه آن‌طوری که آن‌ها می‌خواستند. آن‌ها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغال پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها هم زن‌ها و مردها را از آن مقامی که دارند منحنط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود» (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۷/۲۳۲).

امام رحمت الله علیه با اصل قراردادن حفظ عفت در انجام وظایف اجتماعی بر این اعتقاد بودند که امروز باید خانم‌ها وظایف اجتماعی و وظایف دینی خودشان را عمل کنند و عفت عمومی را حفظ کنند و روی آن عفت عمومی کارهای اجتماعی و سیاسی انجام دهند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۳/۱۹۳). ایشان با طرح این نکته که زنان هم مانند مردان باید در امور سیاسی دخالت کنند، جامعه خودشان را حفظ کنند در فعالیتهای اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردان باشند (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۸/۴۰۳) حفظ شئون اسلامی را مینا قرار داده و در چهارچوب این اصل بنیادین فعالیت زنان را توجیه و تحلیل می‌کنند.

۸. علل برتری دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه نسبت به زنان (بر اساس تحلیل‌های عقلی)

دیدگاه اسلامی با قوانین امام رحمت الله علیه، از امتیازهای بالاتری و برای حفظ حقوق زن و احیای کرامت او از توانایی بیش‌تری برخوردار است و بر اساس تحلیل‌های عقلی آن‌چه را که موجب برتری دیدگاه امام رحمت الله علیه می‌شود می‌توان این‌گونه برشمرد:

۱- **تعادل در نگاه:** امام رحمت الله علیه نه مثل کسانی بود که زنان را افرادی محجور می‌دانند و نه هم‌چون آنان که به بهانه یا به نیت نجات زن و مبارزه با زن ستیزی در یک حرکت افراطی به دام مرد ستیزی افتادند یا جایگاه و شأن و شخصیت هر یک از زن و مرد را به هم زدند که نتیجه هر دو نظریه، ظلم در حق زن و محروم کردن آن‌ها از حقوق طبیعی، شرعی و قانونیشان بود. دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه را می‌توان نگرشی متعادل دانست که در عین حفظ حقوق و کرامت هر یک از زن و مرد و قرار گرفتن هر کدام در جایگاه شایسته خود برای هر کدام وظایف، تکالیف و امتیازهایی را در نظر گرفته است.

۲- **بهره گرفتن از دین:** مسأله کرامت انسان یکی از بنیادی‌ترین موضوع‌های مطرح در ادیان آسمانی است.^۱ در اسلام، چه در قرآن و چه در سنت و سیره پیشوایان دینی، این موضوع به طور جدی مطرح شده است (جوادی آملی، ۱۳۶۹: ۱۳۸۴).

بحث از آموزه‌های اسلامی در باب کرامت انسان به طور خاص درباره‌ی کرامت زن است. برای حفظ این کرامت، راه‌کارهایی هم ارائه شده است. یکی از این مزیت‌های نگرش امام رحمت الله علیه آن است که نه تنها بین حفظ دین و حفظ کرامت زن منافاتی ندیده بلکه به این موضوع از منظر دین نگریسته است؛ او با این کار خود، از یک طرف با نگرش‌های غیر دینی (مثل برخی فمینیست‌ها) و از طرف دیگر با نگرش‌های دینی ولی بدبین به زنان، مرزی ترسیم کرده است. امام رحمت الله علیه نشان داد که می‌توان از منظر دین از حقوق زن دفاع کرد و در عین حال شرایط را برای حضور او در عرصه‌های مختلف علمی، سیاسی و اجتماعی فراهم کرد.

۳- **واقع بینی:** می‌توان گفت نگاه امام رحمت الله علیه به زنان، واقع بینانه‌تر و با طبیعت آنان سازگارتر است. ایشان در حین توجه به یکسان بودن زنان و مردان از نظر انسانیت و ارزش‌های انسانی و توان آنان در رشد معنوی و فرهنگی، بر تفاوت‌های جسمی و روحی ایشان نیز صحنه می‌گذارد، و ضمن دفاع از حضور زنان در جامعه، بر نقش‌های خاص زنان در امری چون ازدواج، تولید مثل و تربیت شایسته فرزندان از سوی مادران تأکید فراوان دارد.

۴- **نگاه فرا جنسیتی:** نگاه امام رحمت الله علیه معمولاً فراجنسیتی است. ایشان از رشد و سعادت انسان (چه زن و چه مرد) سخن گفته و وجود هر دو را برای پیشبرد و تعالی جامعه لازم دانسته است. مجموع دیدگاه‌ها و موضع‌گیری‌های ایشان به گونه‌ای است که نمی‌توان از آن به مردگرایی یا زن‌گرایی رسید. این نگاه، مانع از ایجاد دو قطبی متضاد «زن - مرد» و دچار شدن به پیامدهای ناگوار فرهنگی، تربیتی، سیاسی و اجتماعی آنان در مقیاس فردی و اجتماعی می‌شود.

۵- **جامعیت و همه جانبه نگر:** امام رحمت الله علیه به جنبه‌ها و ابعاد گوناگون شخصیت زنان توجه داشته است. امام رحمت الله علیه از یک طرف به زنان سفارش می‌کند که به دنبال تحصیل علم باشند و از طرف دیگر بر وظیفه آنان در تربیت فرزند و حفظ کانون خانواده تأکید می‌کند و از طرف دیگر بیان می‌کند که زنان حق رأی دادن و رأی گرفتن دارند و در جای دیگر از آنان می‌خواهد که در راه رشد و تعالی اخلاقی و معنوی خود تلاش کنند.

۶- **نگاه انسانی به زن:** نگرش امام رحمت الله علیه که برگرفته از نگاه دینی اوست، مانع از نگاه ابزاری به زن می‌شود در راستای نگرش انسانی است که امام رحمت الله علیه بارها نسبت به شیئی و

^۱ ایشان در سال ۱۳۴۱ در اعلامیه مشترکی همراه با برخی مراجع دیگر ضمن مخالفت بر برنامه محمدرضاشاه مبنی بر شرکت زنان در انتخابات و ... خاطر نشان کرد که این مخالفت به معنای محجور شمردن زنان نیست بلکه برای پیشگیری از مشکلاتی است که به این بهانه برای زنان به وجود می‌آید و گر نه اسلام بیش از دیگران ملاحظه زنان را کرده است.

بازیچه شدن زنان در دست دیگران هشدار داده و هدف از اسلام و خودش را پیشگیری از این امر دانسته است (امام خمینی رحمت الله علیه، ۱۳۸۵: ج ۱۹۶/۱۴).

۹. نتیجه‌گیری

چنان که ملاحظه شد، گفتار حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در اوج فرآیند مفهوم‌سازی با بینشی انتقادی و لحنی قاطع در طرح و تقبیح نظام پیشین در خیانت به زنان و یقین به کفایت اسلام در تأمین خیر و سعادت زنان شالوده‌های بنیادین زنانگی مورد تأیید نظام اسلامی را بنا نهاد و از بایدها و نبایدهایی سخن می‌گوید که زنان در نظام جمهوری اسلامی می‌بایست بر آن پای فشارند. از این رو تأکید بر مشارکت فعال و آگاهانه زنان در تعیین سرنوشت خود و ملت خود را تا آنجا اهمیت می‌بخشد که آن را به‌عنوان یک ضرورت و تکلیف شرعی معرفی نموده و گستره این مشارکت را شامل بالاترین سطوح فعالیت سیاسی دانسته و انتخاب شدن و انتخاب کردن را حق و تکلیف همه تعریف می‌کند، تکلیفی که فارغ از مرزبندی‌های جنسیتی برای زن و مرد یکسان شناخته می‌شود.

در واقع گفتار مذکور بر فراز اذهان متعجبی که هم‌چنان در حیرت حکم امام رحمت الله علیه شخصیتی که در ماجرای انقلاب سفید و اعطای حق رأی به زنان از سوی شاه سابق بیش‌ترین و قاطع‌ترین اعتراض‌ها از وی به یاد مانده بود، به تکلیف زنان برای شرکت در انتخابات انگشت بر دهان گرفته بودند؛ با تشریح و نقد پیوسته‌ی زنانگی مورد تبلیغ در نظام سابق نشان می‌دهد چگونه زنانگی در پرتو اراده و خیانت عوامل حکومت به ملعبه و متاع تقلیل یافته و از اراده، انرژی و نیروی سازنده و مفید خود در ساخت سرنوشت ملت خویش تهی گشته بود.

آن‌جا که مشاهده می‌شود با نسبت دادن صفت جنگ‌جو به زن، زنانگی را در سپهری جسمانیت زدوده و به اوج می‌رساند که دقیقاً با نقشه آگاهانه و تعمدی شاه و هم‌دستان وی به حضيض جویی ننگ جدی ناآگاهانه زنان در قلمرو زنانگی و جسمانیت خویش سقوط می‌کند و سپس با اشاره به خواست و اراده خدا در واژگونی حکومت پهلوی و جلوگیری از تحقیق اراده معطوف به اهانت نسبت به مقام واقعی زن، بار دیگر به بایدهایی باز می‌گردد که محدوده‌های زنانگی را در نظام جدید تعیین می‌کند و در همین راستا، با تأکید مجدد بر ضرورت برخورداری زنان از اراده‌ی معطوف به عمل به تغییر و بازسازی همه‌ی شئون زندگی خود همانند مردان، زنانگی و مردانگی را در موقعیتی برابر و هم‌سان قرار می‌دهد؛ سپس به بایدها و نبایدهایی انگشت می‌نهد که عدم رعایت آن‌ها به ماندن یا خروج زن از دایره انسانیت گره می‌خورد؛ یعنی آرایش و جلوه‌نمایی تن زنانه در محضر مرد، مانع فاسد یا همان انحطاط که زن را به شیء تقلیل می‌دهد.

همچنان در کنار لحن آمرانه، عباراتی چون زن‌ها باید انسان باشند و زن‌ها باید تقوا داشته باشند؛ تأکیدی که به نوبه‌ی خود بیانگر ضرورت رعایت حجاب اسلامی برای حفظ شأن و کرامت انسانی و تقوای زنان است همچنان اختیار و حق انتخاب زنان را همانند مردان متذکر می‌شوند. در مجموع و در این مرور اجمالی می‌توان محورهای معنایی شاخص سرمایه کلامی امام رحمت الله علیه درباره زنان را چنین برشمرد:

- ۱- سهم زنان به دلیل نقش مضاعفی که در خانواده و تشجیع مردان و نیز حضور شجاعانه خود در اجتماع در جهت پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، بیش‌تر و مقدم بر مردان است.
- ۲- نظام اسلامی عنایت خاصی نسبت به زنان دارد.
- ۳- زنان با رعایت حجاب و پرهیز از آرایش و خودنمایی نزد مردم فاسد و در راستای حفظ کرامت انسانی، باید همانند مردان در عرصه سرنوشت‌ساز مشارکت داشته باشند.
- ۴- زنان باید نسبت به حقانیت و کفایت و کارآمدی قوانین اسلامی برای آن به‌عنوان مصادیق اختیار و شجاعت هوشیار باشند.

مقایسه سپهر معنایی دو جریان رقیب ابتدای دهه‌ی ۱۳۴۰ یعنی حکومت پهلوی و نهاد روحانیت به خوبی حکایت از آن به‌خوبی حکایت از آن دارد که به رغم برخی تلاش‌های زنان در آن هنگام زن سوژه خاموشی یا مفعول قدرت مردانه‌ای بود که گاه به نام مدرنیته‌ی غربی و گاه به نام سنت اسلامی باید‌ها و نبایدهای محدود بودن وی را معین می‌ساخت بی آن‌که خود سهمی در این تعیین قلمرو داشته باشد. به همین دلیل، در گیر و دار منازعات سیاسی، به متن آورده شده و در کانون معادله کلامی قرار می‌گرفت و این در حالی بود که از سخن گفتن درباره خود منع می‌گشت و به اجبار به معنایی تن می‌داد که در این منازعه برایش رقم می‌خورد، نمادی از جامعه مترقی پیشرفته و آزاد که می‌بایست به‌عنوان نیمی از جمعیت برای تحقیق هرچه سریع‌تر آن بکوشد و یا جسمانیته منفعل و تقلیل یافته که از حذف فساد اخلاقی جامعه می‌بایست در پستوی خانه زیر سایه مردی به پاسداری از عفتش همت گمارد.

بنابراین هر دو گفتمان سنتی و مدرنیزاسیون در مواجهه با یکدیگر، استراتژی نفی و طرد دیگری را برگزیدند که نتیجه آن ناتوانی در بازسازی ارتباط میان عناصر اصلی در گفتمان رقیب برای افزایش کارآمدی خود و هماهنگی با شرایط اجتماعی و فرهنگی درون زمینه تاریخی بود. حال آن‌که گفتمان انقلاب اسلامی و در کانون آن امام خمینی رحمت الله علیه مفاهیم آزادی و برابری را به گونه‌ای خاص و متناسب با آموزه‌های اسلامی تفسیر کرد. اگرچه گفتمان مدرنیزاسیون نیز با تأثیر پذیری از اندیشه‌های غرب و حقوق به بشر در دگرگونی دیدگاه منفعل نسبت به زن در جامعه داشتند، اما به دلیل ناسازگاری با شرایط اجتماعی حاکم با شکست مواجه شدند و همچنان زنان در حاشیه باقی

ماندند. دیدگاه امام رحمت الله علیه به علت سازگاری با شرایط مخاطبان خود و ویژگی‌های منحصر به فرد گفتمان انقلاب اسلامی مورد استقبال و پذیرش قرار گرفت.

ایشان به مضامینی از قبیل حق انتخاب سرنوشت خود و مملکت، نقش فعال زنان در عرصه سیاسی، شرکت در انتخابات تعیین مقدرات مملکت، مقابله با ظلم به‌عنوان عنصری آزاد و آگاه پیشگامی نهضت، تشجیع مردان در عرصه اجتماعی، سازندگی جامعه و تربیت انسان‌های شایسته اشاره می‌کند. در واقع بر خلاف تندروان سنتی، نقش زنان را تنها به‌عنوان همسری و مادری تقلیل می‌دادند. امام رحمت الله علیه ضمن تأکید بر ارزش و اهمیت و کرامت چنین نقش‌هایی مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان را نه امری حاشیه‌ای و فرعی بلکه مهم و سرنوشت ساز قلمداد نموده‌اند.

به‌طور کلی شاکله‌ی مرکزی گفتمان حضرت امام خمینی رحمت الله علیه در رابطه با هویت زن را می‌توان با تأکید بر رسمیت شناختن تداوم مشارکت زنان همانند مردان در عرصه‌های مختلف سیاسی و اجتماعی یا رعایت کامل حجاب و دوری از بی بند و باری در راستای پشتیبانی از اسلام و حاکمیت قوانین اسلامی در مقابل دشمنان آن دانست. زنی که در پرتو این دست متون زاده می‌شود، زنی است که چه به لحاظ عملی، سهمی که در پیروزی انقلاب ایفا کرده و چه به لحاظ نظری عنایتی که اسلام به زن دارد. نه در فرودست که در کنار یا قرا دست مرد می‌نشیند و نه چونان ضعیفه‌ای مستحق مراقبت در پس دیوارهای خانه که سرشار از شجاعت و آگاهی به مراقبت و ساختن جامعه فراخوانده می‌شود اندیشه‌ای که دریچه‌ی تازه‌ای فراروی موقعیت زنان در جامعه می‌گشاید و وضعیت شیء گشته زنان در دوران پیش از انقلاب را مرهون انفصال از اسلام و اتصال به غرب معرفی می‌کند و بر این اساس، زن مسلمان می‌بایست به منظور ایفای نقش‌های ارزشمند مادری و همسری خود در چهارچوب خانواده توأم با مشارکت فعال آگاهانه و سرنوشت‌ساز در حیات سیاسی و اجتماعی جامعه خود، بر یک محدودیت مهم فایق آید؛ محدودیتی که به واسطه تفکر محافظه کارانه سنتی در قالب عرف‌ها و رسوم اجتماعی که غالباً با دین نیز بی ارتباطند، زن را از حقوق واقعی‌اش محروم ساخته و او را از آزادی اصلتش بی‌بهره می‌سازد.

منابع

- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۵). **صحیفه امام: مجموعه آثار امام خمینی** رحمت الله علیه. ج ۳، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمت الله علیه (مؤسسه چاپ و نشر عروج).
- ابوفارس، محمدعبدالقادر (۱۹۸۶ م.). **حقوق المرأة**. الاردن: دارالفرقان.
- استوارت میل، جان (۱۳۷۷). **کنیزک کردن زنان**. ترجمه خسرو ریگی، تهران: نشر بانو.
- آندراس ابی، وزینسرجی (۱۳۷۵). «دفاع از برابری تعارض قانونی و سیاسی زنان، جنبشهای حقوق برابر در اروپا»، ترجمه مریم خراسانی، **جامعه سالم**، سال ۶، شماره ۳۰.
- تشکری، زهرا (۱۳۸۱). **زن در نگاه روشنفکرانه**. تهران: حله.
- شعبانی، رضا (۱۳۷۴). **مبانی تاریخ اجتماعی ایران**. تهران: قومس.
- شیلر، هرگزست (۱۳۷۷). **وسایل ارتباط جمعی و امپراطوری آمریکا**. ترجمه احمد میری بدینی، تهران: سروش.
- شایگان، علی (۱۳۷۵). **حقوق مدنی ایران**. به کوشش محمد رضا بندرجی، تهران: بی‌نا.
- زیبایی نژاد، محمدرضا؛ محمدتقی سبحانی (۱۳۷۲). **درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام**. تهران: دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
- حافظیان، محمد حسین (۱۳۸۰). **زنان و انقلاب**. تهران: اندیشه برتر.
- جعفری، مرتضی و دیگران (۱۳۷۳). **واقعۀ کشف حجاب: اسناد منتشر نشده از واقعۀ کشف حجاب در عصر رضاخان**. تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی و مؤسسه پژوهش و مطالعات فرهنگی.
- فوران، جان (۱۳۷۷). **مقاومت شکننده**. ترجمه احمد تدین، تهران: نشر رسا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۶۹). **کرامت در قرآن**. ج ۳، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجا.
- دورانت، ویل (۱۳۷۴). **تاریخ فلسفه**. ترجمه عباس زریاب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- راوندی، مرتضی (۱۳۶۵). **تاریخ اجتماعی ایران**. ج ۳، تهران: امیرکبیر.
- قطب، محمد (۱۳۵۸). **جامعه شناسی تاریخی زن**. ترجمه محمدعلی عابدی. تهران: البرز.
- علویقی، علی اکبر (۱۳۷۵). **زن در آینه تاریخ**. تهران: انتشارات چاپ.
- هدایت، مهدی قلی (۱۳۷۵). **خاطرات و خطرات**. تهران: چاپ ممتاز.
- طهماسبی، ساسان (۱۳۸۵). **نقش زنان در نهضت امام خمینی** رحمت الله علیه. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۷). «غرب، غریب نه غالب»، **راه نو**، سال اول، شماره ۶ خرداد.
- عبدالحمید محمد، محمود (۱۹۹۰ م.). **حقوق المرأة بین الاسلام والدیانات الاخری**. مصر: مطبعه الكتاب.
- قائم مقامی، فرهنگ (۱۳۵۵). **آزادی یا اسارت زن**. تهران: جاویدان.

مظفری، بهجت الملوک (۱۳۷۹). **مجموعه مقالات سمینار سیمای زن در جامعه**. تهران: دفتر امور زنان.

معاونت امور اساتید معارف (۱۳۷۷). **نگاهی به فمینیسم**. قم: طه.

منیسی، سامیه (۱۹۹۷ م). **المراه فی الاسلام**. قاهره: دارالفکر العربی.

مهریزی، مهدی (۱۳۷۸). «امام خمینی و گستره آزادی زنان»، **ماهنامه پیام زن**، مهر.

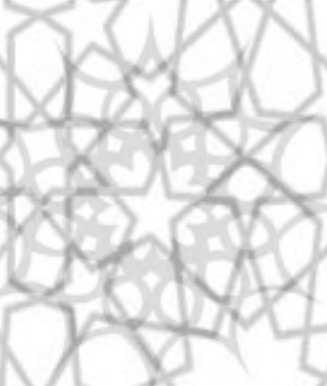
مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). **نظام حقوق زن در اسلام**. تهران: صدرا.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴). **بحار الانوار**. ج ۴۳، بیروت: دارالکتب الاسلامیه.

متقی هندی (بی تا). **کنز العمل**. ج ۱۶، بی جا: مؤسسه الرساله.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران